

الهیات تطبیقی

نوع مقاله: پژوهشی

سال یازدهم، شماره بیست و چهارم، پاییز و زمستان ۱۳۹۹

ص ۱۵-۴۰

تاریخ وصول: ۱۳۹۷/۸/۲۱ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۲/۸

صورت‌بندی استدلالی جدید در حقانیت اسلام؛ تبیین نظریه چگالش فضائل در نسل بلافصل

محسن رفعت، استادیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه حضرت معصومه سلام الله علیها، قم، ایران

mohsenrafaat@hmu.ac.ir

امیرحسین رهبر*، استادیار گروه مدیریت دانشکده مدیریت و حسابداری دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران

a.h.rahbar@basu.ac.ir

چکیده

بشر در طول تاریخ، استدلالات مختلفی را برای تحکیم ادعاها و استوارساختن عقایدش برگزیده است. هم‌اکنون به نظر می‌رسد شیوه‌های استدلالی استقرایی - آماری، دستاوردهای جدیدی برای علم کلام به ارمغان آورد. هدف اصلی این پژوهش، اثبات حقانیت مذهب شیعه اثنی عشری با رویکردی نوآورانه است؛ در این مسیر از مطالعات کتابخانه‌ای با رویکردی تحلیلی - اکتشافی بهره برده شد. در این پژوهش با بهره‌گیری از اخبار و اطلاعات به دست آمده از اهل سنت یا غیرمسلمانان، تجربه زیستی یک نسل بلافصل چهارده‌گانه، پیمایش و چنین تبیین شده که کمالات و فضائل انسانی به نحو شگفتی در این خانواده دویست و پنجاه ساله، یکی پس از دیگری تکرار شده است؛ به گونه‌ای که در هیچ کدام از نسل‌های پادشاهی یا روحانی چنین شکوه‌مندی مستمری مشاهده نمی‌شود. استمرار این وضعیت در طول دو قرن و نیم و با فشار و تعقیب حاکمان ستمگر، این گزاره را تقویت می‌کند که قدرتی فراتر از تنظیمات بشری، چگالش فضائل را در این نسل اراده کرده است؛ چه آنکه هر یک از ابنای بشر در نهایت می‌توانند در سطح فرزندان و نوه‌های خود مداخله کنند و نه در دامنه چندین نسل بعد از خود! این پژوهش، استنباط احتمالاتی مذکور را رهیافت جدیدی در دریافت حقانیت شیعه، فراروی جامعه علمی نهادده است.

واژه‌های کلیدی

کلام اسلامی، تبیین احتمالاتی، نسل شکوه‌مند، امامان معصوم، چگالش فضائل

*مسئول مکاتبات

Copyright © 2020, University of Isfahan. This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by-nc-nd/4.0/>), which permits others to download this work and share it with others as long as they credit it, but they cannot change it in any way or use it commercially.

[Doi:10.22108/coth.2020.113845.1210](https://doi.org/10.22108/coth.2020.113845.1210)

۱- مقدمه

نیستند؛ بلکه از خود حقیقت هستی و مفهوم هستی به خدا می‌رسند. براهین دسته نخست را ائی (براهینی که از معلول به علت رهنمون می‌شوند) و براهین دسته دوم را لمی (براهینی که از خود علت به علت رهنمون می‌شوند) یا شبه‌ائی خوانده‌اند (مظفر، بی تا: ۳۵۳).

۲-۲- ارتکازاتی از معرفت‌شناسی و استنباط آماری

پیش از ورود به این بخش باید تصریح شود نگارندگان در این مقاله از نظر فلسفی، موضعی رئالیستی دارند؛ به این معنا که معتقدند حقیقتی مستقل از فاعل شناسایی وجود دارد که درک آن برای شناسنده ممکن است. به بیان ساده‌تر، وجود داشتن یا نداشتن خداوند یگانه و صحت یا بطلان ادعای نبوت حضرت محمد(ص)، حقایقی مستقل از براساخت‌های ذهنی سایر انسان‌هاست و سایر انسان‌ها با تحقیق و پژوهش می‌توانند درکی واقعی از این حقیقت پیدا کنند و حکم به صحت یا بطلان بدهند.

بسکر^۱، توسعه‌دهنده چارچوب معرفت‌شناسانه رئالیسم انتقادی، توضیح می‌دهد موضوع فعالیت علمی، بررسی رخدادهای نیست؛ بلکه بررسی مکانیزم‌هایی است که مولد رخدادها هستند. این مکانیزم‌ها واقعی و مستقل از وجود فاعل شناسایی (پژوهشگر) در طبیعت‌اند؛ ولی ممکن است نتیجه فعالیت یک مکانیزم محقق نشود یا به مشاهده پژوهشگر در نیاید. به طور مثال، فرض کنید یک فیزیک‌دان قصد دارد تأثیر استفاده از یک ترکیب نانویی در مقاومت الکتریکی یک نیمه‌رسانا را بررسی کند؛ اما بر اثر نزدیکی آزمایشگاه به آنتن سرویس‌دهنده تلفن همراه و القای میدان مغناطیسی و یا تغییر دما و تغییر چگالی ماده، مقاومت الکتریکی اندازه گرفته شده به جای اینکه کمتر شود، بیشتر شود؛ حتی ممکن است میدان مغناطیسی آنتن موبایل در دستگاه اهم‌سنج القا شود و باعث شود کاهش مقاومت به‌درستی نشان داده نشود. درحقیقت آن ماده

موحدان در طول همه قرون و سال‌های گذشته، بر تبیین عقلانی باورهایشان اصرار داشته‌اند و ترویج آیین‌های الهی را منوط به اقناع مردمان و به‌خصوص خواص و اندیشمندان دانسته‌اند. فعالیت گسترده ملحدان در عصر حاضر و بهره‌گیری آنان از علوم مختلف در راستای ترویج شکاکیت در اسلام، لزوم نوآوری و رویکرد بینارشته‌ای را در کلام اسلامی بیش از پیش آشکار ساخته است. نوآوری در اینجا به معنای نفی روش‌های گذشته نیست؛ بلکه تلاشی برای هضم جدیدترین دستاوردهای فکری در مجموعه کلام اسلامی است.

در همین راستا، این مقاله تلاش دارد با اتکا به اذعان اکابر اهل سنت و مستشرقان، به جمع‌شدن انبوهی از فضائل در دوازده نسل پیاپی و به کمک تئوری احتمالات و آمار، بنیان جدیدی در اثبات حقانیت اسلام به نمایش بگذارد. این مقاله مواد تحلیلی جدیدی در اختیار خواننده قرار نمی‌دهد؛ اما همان مطالب مکرر و قدیمی را در یک مهندسی و نظم جدید قرار می‌دهد. دیدگاه مشابه این مقاله در کتاب /امام در عینیت جامعه از محمدرضا حکیمی یا نظریه انسان ۲۵۰ ساله آیه‌الله خامنه‌ای (زیدعزه) وجود دارد (خامنه‌ای، ۱۳۹۱: ۱۶-۲۴).

پژوهش پیش‌روی شما از دید هدف از نوع نظری و از دید گردآوری داده‌ها از نوع تحلیلی - اکتشافی است.

۲- مروری بر مفاهیم پایه

در این بخش برخی از مفاهیم ضروری برای ادامه تحقیق مرور می‌شود.

۲-۱- براهین کلامی

براهین اثبات وجود خدا به دو دسته تقسیم می‌شود؛ یک دسته از براهین، مخلوقات را واسطه استدلال قرار می‌دهند و با کمک مخلوقات به خداوند می‌رسند؛ ولی در دسته دیگر از براهین، مخلوقات واسطه اثبات وجود خدا

اطمینان متجاوز از نود درصد، کاهش نقدینگی به کاهش تورم منجر می‌شود. حال ممکن است سوال شود که تکلیف آن یک کشور چه می‌شود. پاسخ این است که احتمالاً درباره آن کشور مکانیزم مزاحمی وجود داشته است که اجازه به فعلیت رسیدن یا مشاهده مکانیزم اصلی را نداده است؛ به‌طور مثال، ممکن است با بررسی بیشتر مشخص شود آن کشور در تحریم قرار داشته است؛ حتی ممکن است کارمندان بانک مرکزی آن کشور، بر اثر سهل‌انگاری یا غرض‌ورزی، اطلاعات متقنی را از شاخص‌های اقتصادی گردآوری نکرده باشند و پژوهشگر بیرونی نیز هیچ‌گاه نتواند متوجه شود علت خروج آن یک کشور از قاعده چه بوده است؛ ولی به هر حال بیست‌ونه مشاهده دیگر از کشورهای مختلف با شرایط زمینه‌ای گوناگون، او را در موضعی قرار می‌دهد که بتواند تبیین علمی از ارتباط نقدینگی و تورم ارائه کند.

فلاسفه علم چنین تبیین‌هایی را علمی می‌دانند و آنها را تبیین‌های استقرایی - آماری نام می‌نهند. در تبیین‌های استقرایی - آماری، وقوع تبیین‌خواه^۳ (رخداد بررسی و پیش‌بینی شده) با یقین عرفی قابل انتظار خواهد بود (تقی‌لوویکانی، ۱۳۹۳: ۱۸۷-۱۸۸ به نقل از همپل، ۱۳۶۹: ۷۳). چنین تبیین‌هایی گرچه تبیین‌های محکم قیاسی را زیرسؤال نمی‌برند، در کنار آنها به فهم بهتر دنیای اطراف کمک می‌کنند.

۳- بحث و بررسی؛ توسعه چارچوب کلامی نسل شکوهمند

متکلمان تا کنون براهین زیادی برای اثبات رسالت حضرت محمد(ص)، اصالت قرآن و امامت ائمه اثنی عشر(ع) اقامه کرده‌اند. از جانب مقابل، مستشرقان و سایر منتقدان، ایراداتی در حوزه مسائل مذکور مطرح کرده‌اند و متکلمان نیز در ادامه برای پاسخگویی به این شبهات

نانویی از مقاومت تراشه می‌کاهد؛ ولی برخی مکانیزم‌های مزاحم اجازه تحقق آن مکانیزم یا ثبت دقیق اثر مکانیزم را نداده است. در مسائل واقعی عموماً مکانیزم‌های متعدد و متنوعی در وقوع یک رخداد دخیل‌اند و به اصطلاح با یک سیستم باز سروکار داریم؛ بنابراین، دانشمندان عموماً تلاش می‌کنند در آزمایشگاه با ایجاد یک سیستم بسته از فعالیت مکانیزم‌های مزاحم، جلوگیری و فعالیت یک مکانیزم منفرد را ثبت کنند (بسکر، ۲۰۰۸: ۵-۲۰).

همین فرآیند، درباره تحلیل‌های تاریخی نیز برقرار است. هنگامی که متکلمی قصد دارد با کاوش رفتار و گفتار بزرگان دین، درباره حقانیت آن آئین قضاوت کند، ممکن است با مکانیزم‌های مزاحمی مواجه شود؛ به‌طور مثال، ممکن است راویان بر اثر بی‌دقتی، وقایع را صحیح و کامل نقل نکرده باشند یا بر اثر انگیزه‌های سوء در متن احادیث و سلسله اسناد آن دست برده باشند و فراتر از آن، ممکن است رفتار حاکمان ستمگر باعث شده باشد امامان بر اثر تقیه، مبادرت به رفتار و گفتاری متفاوت از شرایط عادی کنند. درحقیقت وقایع تاریخی مزبور، چند صد سال پیش در یک سیستم باز رخ داده‌اند و برای پژوهشگر در زمان حاضر امکان ندارد که آن تجربیات را در شرایط آزمایشگاهی بازآفرینی کند.

در علوم طبیعی و اجتماعی از راهبرد تصادفی‌سازی^۱ برای کنترل چنین اثرات مزاحمی استفاده می‌شود. در چنین وضعیتی، فیزیکدان یادشده با تکرار مکرر آزمایش، در شرایط زمینه‌ای گوناگون و سپس محاسبه میانگین و انجام آزمون‌های فرض آماری تلاش می‌کند اثر مکانیزم‌های مزاحم را خنثی کند^۲ یا اگر اقتصاددانی پس از بررسی شاخص‌های اقتصادی سی کشور، متوجه شود در بیست‌ونه مورد، کاهش نقدینگی به کاهش تورم منجر شده و صرفاً در یک کشور، کاهش نقدینگی، افزایش تورم را در پی داشته است، می‌تواند بیان کند به احتمال بالا و

^۱. randomisation

^۲. بنگرید به: مونتگومری (۱۳۹۳)

^۳. explanandum

اهتمام ورزیده‌اند و این تلاش‌ها همچنان ادامه دارد و خواهد داشت؛ اما چارچوب آماری ارائه‌شده در این تحقیق، توجه ما را به کثرت و اتقان شواهد مربوط به فضائل اهل بیت در مقابل قکت و غبارآلودگی شبهات جلب می‌کند. آنچنان که ابوعثمان عمرو بن بحرین جاحظ از علمای مشکل‌پسند و سختگیر اهل سنت در ارتباط با ایشان می‌گوید «هر یک از آنان، عالم، زاهد، ناسک، شجاع، جواد، طاهر و تزکیه‌کننده‌اند ... نظیر این سلسله از نظر خصلت‌های پسندیده، برای هیچ خانه‌ای از خانواده‌های عرب و نه از خانواده‌های عجم پدید نیامده است» (جاحظ، ۱۴۲۳ق: ۱۰۶).

بزرگ این خاندان و شخصیت نخست این سلسله جلیله، حضرت محمد(ص) است. او حتی پیش از بعثت در قریش به امان و صداقت شهره بود (جان دیون پورت، ۱۳۹۱: ۱۴) و به همین دلیل، محمد امین نامیده می‌شد (ابن سعد، ۱۴۱۴ق، ج ۱: ۱۱۶؛ طبری، ۱۳۸۷ق، ج ۲: ۲۹۰؛ مقدسی، بی‌تا، ج ۵: ۴۶؛ مقریزی، ۱۴۲۰ق، ج ۱: ۱۹؛ ابن اثیر، ۱۴۸۵ق، ج ۲: ۴۵؛ همان، ۱۴۰۹ق، ج ۱: ۲۴؛ ولتر، ۲۴: ۵۵۵) و در کاروان‌های تجاری به خدمت گرفته می‌شد. پس از بعثت در شدیدترین فشارها قرار گرفت (ابن هشام، بی‌تا، ج ۱: ۴۰۸، ۴۶۲ و ۴۶۸؛ بلاذری، ۱۳۷۹ق، ج ۱: ۱۲۷ - ۱۵۶) و به دلیل تحریم‌های سنگین، عزیزترین نزدیکانش را از دست داد (یعقوبی، بی‌تا، ج ۲: ۳۵؛ بیهقی، ۱۴۰۵ق، ج ۲: ۳۵۱)؛ ولی از عقایدش مدعی است بر وی نازل شده است، به گواهی ادیبان

غیرمسلمان از نظر زیبایی‌شناسی در اوج قرار دارد و تعداد زیادی از شرق‌شناسان غیرمسلمان، آن را مملو از مضامین بلند اخلاقی و نکات ظریف علمی ارزیابی کرده‌اند.^۲ در این کتاب به زیبایی دین و دنیا در هم آمیخته شده و مسیری ترسیم شده است که در عین حفظ معنویت، پیشرفت‌های مادی نیز در دسترس قرار گیرد. لزوم حسن معاشرت با مردم، رعایت عدالت حتی درباره دشمنان، رسیدگی به نیازمندان، خاکساری در مقابل والدین از جمله تعالیم اخلاقی این کتاب انسان‌ساز است؛ حتی برخی از پژوهشگران نشان داده‌اند بین تعداد تکرار کلمات مترادف و متضاد در قرآن روابط ریاضی جالبی وجود دارد.^۳ همه اینها در حالی است که در قرآن به‌صراحت به امی و درس‌ناخوانده بودن پیامبر اشاره شده است (عنکبوت/۴۸) و اگر او فرد مکتب‌دیده‌ای بود، نمی‌توانست در نوشتاری که به دست همه اطرافیان و خویشاوندان او می‌رسد، چنین ادعایی بکند. تصویری که او از خداوند ترسیم کرده و تنزیهات قرآن از ذات اقدس اله (انعام/۱۰۳؛ اسراء/۱۱۱؛ طه/۱۱۴؛ حشر/۲۳ و ...) بسیار فراتر از سطح فکر مردم آن زمان است (ر.ک: مطهری، بی‌تا، ج ۴: ۴۹۹). نماز که رکن دین اوست، عبادتی است که از مضامین بلندی برخوردار است، در نهایت توازن و زیبایی قرار دارد و بهتر است به جماعت انجام پذیرد. روزه و حج و زکات نیز وضعیت مشابهی دارند. در آئین او برای عذرخواهی از گناهان (کفاره) بر رسیدگی به فقرا و آزادکردن اسرا تأکید شده است. تأکید بر دانشگری، سخت‌کوشی، خوش‌بینی از دیگر آموزه‌های مکتب اوست که با توسعه اقتصادی

۲. لوبون، بی‌تا، ۱۱۹-۱۲۰؛ برای مطالعه بیشتر در زمینه نظرات مستشرقان، ر.ک: ارنست، ۱۳۹۰؛ بوکای، ۱۳۷۵؛ فیلیپی، ۲۰۰۱؛ توفانوف، بی‌تا.

۳. رضایی اصفهانی (۱۳۸۰) در بخشی از پژوهشی (پژوهش برتر حوزه علمی)، پس از بررسی نظرات موافقان و مخالفان اعجاز عددی قرآن، نشان داده است گرچه در این ادعا افراط‌هایی صورت پذیرفته است، شواهد انکارناپذیر شگفت‌انگیزی در این ارتباط وجود دارد.

۱. ابن کنیر می‌گوید «دانشمندان اهل بیت پیامبر خدا(ع) از بهترین دانشمندان هستند؛ به شرط اینکه بر آیین استوار باشند؛ همانند علی و ابن عباس و دو فرزند علی حسن و حسین و محمد بن حنفیه و علی بن حسین زین‌العابدین و علی بن عبدالله بن عباس و ابوجعفر باقر که محمد بن علی بن حسین است و پسرش جعفر و همانند آنها، از کسانی که به ریسمان محکم الهی چنگ زده و راه راست او را طی کرده‌اند» (ابن کنیر، ۱۴۱۹ق، ج ۴: ۴۹۲).

صدها سال از داشتن حکومت مرکزی، محروم و به جنگ و خونریزی مشغول بودند، جهانگیر شدند و آوازه تمدن آنان مرزها را درنوردید.

پیامبر پیوسته در طول زندگی و همچنین در حج پایانی دوران عمرش بر شایستگی علی (داماد و پسرعموی محمد و نخستین مرد گرونده به اسلام) برای جانشینی‌اش تأکید کرده بود (مادلونگ، ۱۳۷۷: ۳۴) و به این موضوع بارها در منابع اهل سنت اشاره شده است. ایشان گرچه تلاش کردند این اخبار را به محبت (و نه سرپرستی و زعامت علی) ارتباط دهند، به هر حال بسامد بالای چنین روایاتی در منابع غیرشیعی انکارناپذیر است.^۱

نفر دوم این خاندان، داماد و پسرعموی پیامبر و نخستین مرد گرونده به اسلام است. علی نیز همچون پسرعمویش در اوج فضائل و خصائص نیک قرار داشت. او از نظر دانش مورد ارجاع مردم و مشورت زمامداران معاصرش بود. از نظر بیان و بلاغت توانایی‌های منحصر به فردی داشت و آثار او در زمان‌های بعد از خودش تا زمان حاضر در کانون توجه قرار دارد. او با آنکه پس از حضرت محمد(ص) همواره خود را محق ولایت می‌دانست و از تصریح به این معنا ابایی نداشت، با این حال زمانی که در شورای شش نفره عمر می‌توانست با یک دروغ توریه‌ای، حکومت را تصاحب کند، چنین نکرد (ابن‌ابی‌الحدید، ۱۳۷۸ق، ج ۱۰: ۲۴۴-۲۴۵). او با آنکه در سال‌های آخر عمرش قلمروی از مصر تا افغانستان را در سیطره خود داشت^۲، همچنان ساده‌زیست بود و احتیاط فوق‌العاده در استفاده از منابع عمومی داشت (دینوری،

سازگار است (موسایی، ۱۳۷۴: ۶۷-۸۲؛ ۱-۴۱؛ سیف‌الدین و رهبر، ۱۳۹۲: ۶۷-۸۲). او همان کسی است که پس از مسلط شدن بر کسانی که خون نزدیکانش را به نحو فجیعی ریخته بودند، از خون آنها درگذشت و آنان را عفو کرد (ابن‌عبدالبر، ۱۴۱۲ق، ج ۲: ۵۹۷؛ ابن‌اثیر، ۱۴۰۹ق، ج ۲: ۲۰۵؛ مقریزی، ۱۴۲۰ق، ج ۱: ۳۸۳؛ ج ۸: ۳۸۶؛ ج ۱۵: ۱۵۹؛ صالحی‌شامی، ۱۴۱۴ق، ج ۵: ۲۱، ابن‌سیدالناس، ۱۴۱۴ق، ج ۲: ۲۲۱، واقدی، ۱۴۰۹ق، ج ۲: ۸۲۲؛ ابن‌کثیر، ۱۴۲۲ق، ج ۴: ۲۹۰ - ۲۹۵؛ ابن‌خلدون، ۱۴۰۸ق، ج ۲: ۴۶۰؛ طبری، ۱۳۸۷ق، ج ۳: ۵۶؛ بیهقی، ۱۴۰۵ق، ج ۵: ۳۸؛ ابن‌اثیر، ۱۳۸۵ق، ج ۲: ۲۴۶). او تا اواخر دوران حیاتش با آنکه تقریباً تمامی شبه‌جزیره عربستان را به کنترل خود درآورده بود، همچنان ساده‌زیست بود و امکانات زندگی‌اش از سطح زندگی مردم در فرمانش بالاتر نبود.

او حتی در شرایط قدرت هم به عهد و پیمان‌هایی که بسته بود با قوت وفادار بود (ابن‌هشام، بی‌تا، ج ۱: ۵۰۴؛ ابن‌کثیر، ۱۴۲۲ق، ج ۳: ۲۲۶؛ ابن‌سیدالناس، ۱۴۲۲ق، ج ۱: ۲۲۹) و هیچ‌گاه حاضر نشد از جهل مردم برای استوارساختن پایه حکومتش بهره گیرد و حتی گاهی که عقاید غیرعلمی مردم می‌توانست به تقویت جایگاهش منجر شود، از روشنگری پرهیز نکرد (برای نمونه، گمان مردم درباره کسوف خورشید به گاه فوت فرزندش ابراهیم، ر.ک: ابن‌حنبل، ۱۳۶۸ق، ج ۳: ۳۱۸؛ ج ۴: ۱۲۲؛ ج ۵: ۴۲۸؛ بخاری، ۱۴۰۱ق، ج ۲: ۲۴؛ ج ۴: ۷۶؛ قشیری نیشابوری، بی‌تا، ج ۳: ۳۱؛ ابن‌ماجه قزوینی، بی‌تا، ج ۱: ۴۰۰؛ سجستانی، ۱۴۱۰ق، ج ۱: ۲۶۲؛ نسایی، ۱۴۱۱ق، ج ۳: ۱۲۴ و ۱۲۶).

حضرت محمد(ص) پس از ورود به مدینه، اهالی آن شهر را به کمک پیمانی متحد کرد که متن آن پیمان برای مردم روزگار ما نیز آموزنده است (ابن‌هشام، بی‌تا، ج ۱: ۵۰۴؛ ابن‌کثیر، ۱۴۲۲ق، ج ۳: ۲۲۶؛ ابن‌سیدالناس، ۱۴۲۲ق، ج ۱: ۲۲۹). تعالیم و عباداتی که او وارد سبک زندگی عرب کرد، آنان را به کلی متحول ساخت و قومی که برای

۱. تعداد زیادی از این روایات در الغدیر علامه امینی گردآوری شده است.

۲. عظمت و گستردگی ولایات در حکومت امیر مؤمنان(ع) بسی شایان توجه است. مرزهای شرقی حکومت، دره سند هند، مرزهای غربی، شمال آفریقا، مرزهای جنوبی کشورهای خلیج فارس و مرزهای شمالی شمال خراسان بزرگ بوده است که تا فتح‌های خلفای پیشین تا شام و مرزهای اروپا پیش رفته بود.

۱۴۱۰ق، ج ۱: ۱۷۴؛ رضی، ۱۴۰۷، کلام ۲۲۴: ۳۴۶-۳۴۷؛ ابن‌ابی‌الحدید، ۱۳۷۸ق، ج ۱: ۲۶۹) و این در حالی بود که گاهی سایر اصحابش را از تشبه‌جستن به خودش در این زمینه باز می‌داشت و به ایشان امر می‌کرد در حد متعارف از نعمت‌های دنیا متمتع شوند (رضی، ۱۴۰۷ق، نامه ۴۵: ۴۱۶). دستگیری او از مستمندان و سرکشی‌اش به یتیمان سرفصل مفصل دیگری است که داستان‌های فراوانی در آن باب نقل شده است (ابن‌ابی‌الحدید، ۱۳۷۸ق، ج ۴: ۱۰۹). از عجایب روزگار آن است که این رقت قلب او با شجاعت بی‌نظیر و جنگاوری فوق‌العاده‌ای همراه بود و در منابع معتبر تاریخی، بارها به این نکته توجه شده است. او در هنگام جوانی به‌تنهایی و به نمایندگی از لشکر اسلام در برابر یکی از بزرگ‌ترین پهلوانان آن روز عرب قرار گرفت و او را شکست داد و در سایر جنگ‌ها نیز وضعیت مشابهی داشت (حنبلی دمشقی، ۱۴۰۶ق، ج ۶: ۶۵؛ ج ۳: ۲۳۴؛ ج ۱۷: ۱۴۹). این جنگاوری او به هیچ‌وجه بهانه‌ای برای زیر پا گذاشتن اصول اخلاقی قرار نگرفت و خطوط اخلاقی که او در آن زمان برای سپاهیان تنظیم و ابلاغ کرده بود، وجدان‌های آگاه را به تحسین و امید داد (دینوری، ۱۳۶۸: ۱۹۷؛ ابن‌ابی‌الحدید، ۱۳۷۸ق، ج ۱: ۲۰- ۲۱؛ ج ۲: ۲۳۸؛ ج ۴: ۱۳). او نیز در مقام عمل، سخت به این اصول اخلاقی پایبند بود (طبری، ۱۳۸۷ق، ج ۴: ۵۷۲؛ ابن مسکویه رازی، ۱۳۷۹، ج ۱: ۵۱۷؛ ابن‌اثیر، ۱۳۸۵ق، ج ۳: ۲۸۵؛ ابن جوزی، ۱۴۱۲ق، ج ۵: ۱۰۳). سهمگین‌ترین جنگی که او در آن شرکت جست، صفین نام داشت که در نهایت با شکست سپاه او همراه شد. دسترسی به منابع آب برای سپاهیان در آن زمان بسیار حیاتی محسوب می‌شد. سپاه دشمن هنگامی که بر رود فرات مسلط شد، مانع دسترسی لشکریان علی(ع) به آب شد (منقی، ۱۴۰۴ق: ۱۹۳)؛ البته علی(ع) کسی نبود که این محدودیت را تاب آورد؛ بنابراین، دشمن را عقب راند و اداره کران رود را در اختیار گرفت؛ ولی به سپاهیان اجازه نداد با لشکر دشمن مقابله به مثل کند و دسترسی به آب را برای

آنان آزاد گذاشت. او حتی سپاهیان را از دشنام‌دادن به دشمنان منع می‌کرد (طبری، ۱۳۸۷ق، ج ۴: ۵۷۲؛ ابن مسکویه رازی، ج ۱۳۷۹، ج ۱: ۵۱۷؛ ابن‌اثیر، ۱۳۸۵ق، ج ۳: ۲۸۵؛ ابن جوزی، ۱۴۱۲ق، ج ۵: ۱۰۳). او به شدت از آزار اقلیت‌های رسمی مذهبی تحذیر می‌داد (ابن‌ابی‌الحدید، ۱۳۷۸ق، ج ۱۷: ۱۴۷) و هنگامی که خبر آزردن اقلیت‌های مذهبی قلمروش توسط دشمن به گوش او رسید، گفت اگر مؤمن بر اثر شنیدن این سخن دق کند، ملامت ندارد (دینوری، ۱۳۶۸: ۲۱۲؛ بلاذری، ۱۳۷۹ق، ج ۲: ۴۴۲؛ رضی، ۱۴۰۷ق، خطبه ۲۷: ۶۹-۷۰). او پیوسته قضات حکومتش را به قضاوت عادلانه فرا می‌خواند و خود نیز همانند فرد عادی در محکمه حاضر می‌شد (ابن‌ابی‌الحدید، ۱۳۷۸ق، ج ۱۷: ۶۵) تا بدانجا که روزی جنگ‌افزار مفقودش را در دست یکی از اقلیت‌های مذهبی دید و از او خواست عودت کند؛ ولی او مدعی شد زره مال خودش است. علی همانند یک فرد عادی به دادگاه مراجعه کرد و چون نتوانست مالکیتش را ثابت کند، مغلوب شد و هیچ‌گونه اعمال نفوذی در فرآیند دادرسی انجام نداد.

آموزه‌های مدیریتی او به زیردستانش در کمال عقلانیت قرار دارد و به‌وضوح فراتر از سطح تفکر حکام هم‌عصر اوست. عهدنامه او به فرماندار مصر مملو از چنین آموزه‌هایی است که با جدیدترین دستاوردهای علم حکمرانی سازگار است^۱. در ابتدای حکومتش هیچ‌کس را مجبور به بیعت نکرد (دینوری، ۱۴۱۰ق، ج ۱: ۳۷۶؛

۱. به‌طور مثال، او به فرماندارش توصیه می‌کند با مودیان مالیاتی مدارا کند و این مدارا را باعث رشد و شکوفایی اقتصاد می‌شمارد؛ یا او پس از آغاز حکومتش، گرفتن مالیات از دهقانان بر مبنای مساحت زمین‌هاشان را ملغی کرد و دستور داد بر مبنای سود و خوداظهاری از آنها مالیات گرفته شود (کلینی، ۱۳۸۸ق، ج ۸: ۶۰؛ طبرسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱: ۲۶۴؛ ابن‌طاووس، ۱۴۲۰ق: ۳۴۳). شایان ذکر است حتی در زمان نگارش اصول کافی نیز مالیات به شیوه‌ای باجگونه و به اجبار اخذ می‌شده است و تحول نظام مالیاتی به چند قرن اخیر باز می‌گردد.

بخاری، ۱۴۰۱ق، ج ۴: ۲۱۰؛ قشیری نیشابوری، بی‌تا، ج ۷: ۱۴۱؛ ابن‌ماجه، بی‌تا، ج ۱: ۶۴۴؛ نیشابوری، بی‌تا، ج ۲: ۱۵۹؛ سجستانی، ۱۴۱۰ق، ج ۱: ۴۶۰؛ نسائی، ۱۴۱۱ق، ج ۵: ۹۷؛ طبرانی، بی‌تا، ج ۲: ۴۰۴). او در مقابل انحرافی که پس از پدرش واقع شد، ایستاد و کشته شد (ابن ابی‌شیبه، ۱۴۰۹ق، ج ۸: ۵۷۲؛ طبری، ۱۳۸۷ق، ج ۲: ۴۴۳؛ اندلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۴: ۹۳؛ ذهبی، ۱۳۸۲ق، ج ۲: ۱۹۵؛ ابن‌ابی‌الحدید، ۱۳۷۸ق، ج ۲: ۴۷-۴۶). خطبه طولانی که او در مسجد پیامبر بیان داشت (ر.ک: رازی، ۱۳۷۱ق، ج ۱: ۲۵۷؛ ابن‌ابی‌الحدید، ۱۳۷۸ق، ج ۱: ۲۹۰-۲۰۵؛ قندوزی، ۱۴۱۶ق: ۱۱۹ و ۴۳۹؛ متقی‌هندی، ۱۴۰۹ق، ج ۲: ۱۵۸؛ ج ۳: ۷۶۷) به‌وضوح حکایت از آن دارد که تراز اندیشه او بسیار بالاتر از مخدرات هم‌عصر خویش است؛ چنانکه ابن‌طیفور (م ۲۸۰هجری) از علمای اهل سنت در شهرت این خطبه می‌گوید: خطبه حضرت زهرا(س) خطبه شناخته‌شده‌ای است و همواره بزرگان ما این خطبه را درخصوص آل ابی‌طالب(ع) به فرزندان‌شان آموزش می‌دهند (ابن‌طیفور، بی‌تا: ۲۳).

پس از علی، فرزندش حسن(ع)، به سفارش او امامت را بر عهده گرفت که البته این انتصاب با بیعت عمومی مردم در کوفه نیز همراه شد (دینوری، ۱۳۶۸: ۲۱۶؛ اصفهانی، ابوالفرج، بی‌تا: ۶۱) و او چند ماهی حکومت کرد؛ ولی به دلیل تفرقه بین سپاهیان و مکر و تزویر دشمن از ادامه جنگ نیمه‌تمام پدرش ناتوان شد (بلاذری، ۱۳۷۹ق، ج ۳: ۳۸-۳۷؛ اصفهانی، ابوالفرج، بی‌تا: ۷۳) و پیمان صلحی را برخلاف میلش با معاویه منعقد کرد که تا پایان عمر بدان پایبند بود (دینوری، ۱۳۶۸: ۲۲۰؛ ابن‌اثیر، ۱۳۸۵ق، ج ۳: ۴۰۶-۴۰۷). رویگردانی او به دلیل ترس از جنگ نبود؛ زیرا در زمان پدرش پیوسته در میدان جنگ می‌درخشید. بلادزی او را اکرم‌الناس خوانده است (بلاذری، ۱۳۷۹ق، ج ۵: ۳۰). او در طول عمر خود سه بار ثروت خود را به دو نیم تقسیم کرد و نصف آن را برای خود نگهداشت و نصف دیگر را در راه خدا بخشید

بلاذری، ۱۳۷۹ق، ج ۲: ۱۶۲ و ۲۰۷؛ ثقفی، ۱۴۱۰ق، ج ۱: ۳۱۰؛ ابن‌ابی‌الحدید، ۱۳۷۸ق، ج ۴: ۹۸) و به مخالفان سیاسی که دست به سلاح نمی‌بردند، آسیب نمی‌رساند. او حتی مقرری مخالفانش در پایتخت که مجالس او را به هم می‌ریختند، از بیت‌المال قطع نکرد (هیثمی، بی‌تا، ج ۹: ۶۸؛ ابن‌قدمه، ۱۳۸۸ق، ج ۱۰: ۵۹؛ همان، بی‌تا، ج ۱۰: ۷۲؛ بهوتی، ۱۴۱۸ق، ج ۶: ۲۱۲؛ شوکانی، ۱۹۷۳، ج ۷: ۳۴۰؛ بیهقی، بی‌تا، ج ۸: ۱۸۴؛ عسقلانی، بی‌تا، ج ۱۲: ۲۵۴؛ شافعی، بی‌تا، ج ۶: ۲۸۶؛ البانی، ۱۴۰۵ق، ج ۸: ۱۱۷؛ طبری، ۱۳۸۷ق، ج ۵: ۷۳ و ۷۴؛ ابن‌کثیر، ۱۴۲۲ق، ج ۷: ۲۸۴؛ ابن‌اثیر، ۱۳۸۵ق، ج ۲: ۱۴۵؛ ابن‌ابی‌الحدید، ۱۳۷۸ق، ج ۲: ۳۱۱) و تا پیش از قیام مسلحانه، آنها را تعقیب نکرد (متقی‌هندی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۱: ۳۰۰). درنهایت یکی از همین افراد به او ضربت زدند و در کمتر از ۴۸ ساعت از دنیا رحلت کرد؛ ولی در همین ساعت‌های معدود مراقبت داشت که در حق فرد ضارب ستم نشود و از خوراکی که خود می‌خورد، به او می‌خوراند و وصیت کرد اگر فرزندان‌ش پس از مرگش خواستند قاتل را قصاص کنند، بر او بیش از یک ضربه نزنند؛ زیرا او نیز یک ضربه زده بود (ابن‌سعد، ۱۴۱۴ق، ج ۳: ۲۵؛ طبری، ۱۳۸۷ق، ج ۵: ۱۴۸-۱۴۶؛ ابن‌اثیر، ۱۴۰۹ق، ج ۳: ۶۱۵؛ بلاذری، ۱۳۷۹ق، ج ۲: ۵۰۲؛ ابن‌طقطقی، ۱۴۱۸ق: ۱۰۶؛ ابن‌اثیر، ۱۳۸۵ق، ج ۳: ۳۹۱؛ رضی، ۱۴۰۷ق، وصیت ۴۷).

ابن‌ابی‌الحدید معتزلی تعدادی از پیش‌بینی‌های محقق‌شده امیرمؤمنان(ع) را گردآوری کرده است (ابن‌ابی‌الحدید، ۱۳۷۸ق، ج ۲: ۲۸۶؛ ج ۸: ۲۴۱؛ ج ۹: ۴۷؛ ج ۱۰: ۱۴-۱۵ و ۲۸۶-۲۹۵؛ ج ۱۳: ۹۵-۹۷). فضائلی که از علی بن ابیطالب در آثار اندیشمندان غیرمسلمان و منابع دست اول سنی نقل شده است بسیار فراوان است و کتاب‌های متعددی با این موضوع به نگارش درآمده است. دختر حضرت محمد(ص) و همسر علی(ع)، مادر این سلسله شکوهمند است. علمای اهل سنت بارها فضائل آن حضرت را بیان کرده‌اند (ابن‌حنبل، ۱۳۶۸ق، ج ۴: ۵؛

(ابن سعد، ۱۴۱۴ق، خامسه ۱: ۲۹۹؛ ابن جوزی، ۱۴۱۸ق، ۱۷۸؛ ابن کثیر، ۱۴۲۲ق، ج ۸: ۳۷؛ ابن عساکر، ۱۴۱۵ق، ج ۱۳: ۲۴۳) و اهتمام ویژه‌ای به پذیرایی از مسافران و غریبان داشت و حتی افرادی که بر او و پدرش دشنام می‌دادند نیز از عطایای او محروم نبودند (ابن عساکر، ۱۴۱۵ق، ج ۱۳: ۲۴۴-۲۴۷؛ ابن کثیر، ۱۴۲۲ق، ج ۸: ۳۸). پدر همسر او از دشمنان علی(ع) بود و بنا بر نقل گروهی از مورخان، همسر او در نهایت به تحریک پدر و معاویه، حسن(ع) را مسموم کرد (ابن سعد، ۱۴۱۴ق، خامسه ۱: ۳۳۸؛ بلاذری، ۱۳۷۹ق، ج ۳: ۵۹).

پس از حسن(ع)، فرزند دوم علی(ع) و نوه محمد (صلوات الله علیهم)، حسین بن علی(ع) امام شیعیان شناخته شد. او نیز به دستگیری از فقیران و آزادسازی اسیران شهرت داشت (ابن صباغ، بی تا: ۱۶۷)؛ اما مهم‌ترین فراز از زندگی او، پایداری عجیبش در مسیر مکتب جدش است. همان‌طور که پیش‌تر گذشت امام قبلی به دلیل شرایط ویژه‌ای که با آن روبه‌رو بود و برای حفظ حیات شیعه به معاهده‌ای با معاویه تن داد. معاویه در آن صلح‌نامه متعهد شده بود که از تعقیب و آزار سپاهیان و اطرافیان حسن بن علی خودداری کند و پس از خود، جانشین و خلیفه‌ای مشخص نکند (بلاذری، ۱۳۷۹ق، ج ۳: ۴۳-۴۱؛ ابن اعثم کوفی، ۱۴۱۱ق، ج ۴: ۲۹۱)؛ اما پس از استوار شدن پایه‌های حکومت، عهدنامه را زیر پا گذاشت و فرزندش یزید را جانشین خود مشخص کرد (بلاذری، ۱۳۷۹ق، ج ۳: ۴۴؛ ابن ابی‌الحدید، ۱۳۷۸ق، ج ۱۶: ۱۵-۱۴) و این در حالی بود که یزید برخلاف معاویه، حتی به حفظ ظواهر دین نیز اهمیت نمی‌داد و آشکارا مرتکب بزه و معاصی کبیره می‌شد. وضعیت رسوای یزید بارها در منابع اهل سنت بیان شده است (بلاذری، ۱۳۷۹ق، ج ۵: ۱۲۰؛ با اندکی اختلاف ر.ک: دینوری، ۱۴۱۰ق، ج ۱: ۲۰۲). حسین در این اوضاع مشاهده کرد سکوت و برخوردهای کج‌دار و مریز به محو آثار مکتب جدش و محروم‌شدن نسل‌های آینده از این مکتب

انسان‌ساز منجر می‌شود؛ بنابراین، بیعت با یزید را حرام اعلام کرد و خودش نیز از بیعت با او امتناع ورزید (ابن سعد، خامسه ۱: ۴۴۲-۴۲۳؛ ابن سعد، ۱۴۱۵ق: ۵۶-۵۵) و به‌منظور اصلاح امور امت جدش خروج کرد (ابن اعثم، ۱۴۱۱ق، ج ۵: ۲۱) تا اینکه در کرانه رود فرات به محاصره یزیدیان درآمد و با آنکه کمتر از یک‌صدم عده و غده طرف مقابل را در اختیار داشت، بر موضع خود اصرار ورزید و حاضر نشد حکومت یزید را تأیید کند. او قبل از شروع حمله دشمن، سپاهیان را اذن داد و گفت اینها فقط با من سرچنگ دارند؛ بنابراین، هرکس بخواهد می‌تواند از تاریکی شب استفاده کند و جانش را نجات دهد (بلاذری، ۱۳۷۹ق، ج ۳: ۱۸۵). در نهایت دشمنانش بر او یورش بردند و شانزده تن از فرزندان و خانواده‌اش و متجاوز از پنجاه تن از یاران نزدیکش را در یک نیمروز به‌نحو فجیعی به شهادت رساندند. او با آنکه دلیرانه در مقابل هجمه‌های دشمن به دفاع می‌پرداخت، ولی از نصیح و خیرخواهی برای دشمنانش مضایقه نداشت و پیوسته آنان را اندرز می‌داد تا اینکه در این نبرد نابرابر از پای افتاد (ابن سعد، ۱۴۱۴ق، خامسه ۱: ۴۶۸؛ دینوری، ۱۳۶۸: ۲۴۹؛ بلاذری، ۱۳۷۹ق، ج ۳: ۱۷۱؛ طبری، ۱۳۸۷ق، ج ۵: ۳۹۲ و ۴۲۴؛ ابن اثیر، ۱۳۸۵ق، ج ۴: ۴۶) و پس از تحمل مصیبت عزیزانش و در حالی که زنده و تشنه بود، سر از تنش جدا کردند و خانواده او به اسارت درآمدند (طبری، ۱۳۸۷ق، ج ۵: ۴۵۳؛ بلاذری، ۱۳۷۹ق، ج ۳: ۲۰۳؛ ابن اثیر، ۱۳۸۵ق، ج ۴: ۷۸؛ مسعودی، ۱۴۰۹ق، ج ۳: ۶۲). قاعدتاً افراد عادی چنان ظرفیتی ندارند که در راستای اعتقاداتشان این‌چنین از جان خود و عزیزانشان گذر کنند. به‌ویژه باید توجه داشت حسین(ع) در خانواده‌ای نمو پیدا کرده بود که هسته مرکزی دعوت به اسلام است و از نزدیک شاهد رفتارهای پیدا و پنهان بزرگان اسلام بوده است. مطمئناً اگر او نشانه‌هایی از ناراستی و دغل در رفتار پدر و پدربزرگ خود می‌دید، حاضر نمی‌شد جان فرزندان خود را در این قمار قربانی کند. فداکاری بی‌ظنیر حسین بن

مسیر پدرانش استوار ماند. امام سجاد(ع) هزینه زندگی صد خانواده تهیدست مدینه را عهده‌دار بود (اصفهانی، ابونعیم، بی‌تا، ج ۳: ۱۳۶؛ سبط بن جوزی، ۱۴۱۸ق: ۲۹۴). ابونعیم اصفهانی و سبط بن جوزی نقل می‌کنند فقرای مدینه پس از مرگ علی بن الحسین دریافتند چه کسی مخفیانه به آنها غذا می‌رسانده است (همان). اثر انبان‌های مواد غذایی که او شبانه برای فقرا حمل می‌کرد (ذهبی، بی‌تا، ج ۱: ۷۵) حتی پس از مرگ بر شانه او مشهود بود و در هنگام تغسیل شایان توجه شاهدان قرار گرفت (اصفهانی، ابونعیم، بی‌تا، ج ۳: ۱۳۶). وی در خریداری، تربیت و آزادسازی بندگان ید طولایی داشت. مصادر اهل سنت نمونه‌های متعددی از کظم غیظ و مدارای او با دشمنان نقل کرده‌اند (شبلنجی، ۱۳۶۸ق: ۱۴۰). او در شورش مدینه علیه خاندان یزید، بنابر درخواست مروان حکم (یکی از شخصیت‌های برجسته اموی در مدینه که سابقه دشمنی طولانی با علی و فرزندان او دارد) خانواده او را در منزل خود پناه داد و مانع تعرض معترضان به آنها شد (دینوری، ۱۴۱۰ق، ج ۱: ۲۳۱). او در دوران امامتش از جانب حاکمان در فشار و کنترل بود؛ به همین دلیل تلاش کرد مضامین والای عرفانی، اخلاقی و سبک زندگی را در قالب ادعیه تبیین کند. این ادعیه از نظر شیوایی و پختگی در اوج قرار دارد؛ به نحوی که برخی از بزرگان معاصر اهل سنت درباره آن می‌گویند این از بدبختی ما است که تا کنون به این گران‌بهای جاوید از میراث‌های نبوت و اهل بیت دست نیافته بودیم و من هرچه در آن می‌نگرم، آن را فوق کلام مخلوق و دون کلام خالق می‌یابم (بلاغی، بی‌تا: ۳۰-۳۷)؛ حتی پژوهشگران مسیحی متون اسلامی نیز ثناگوی ادعیه علی بن الحسین شده‌اند (موسوی لاری، ۱۳۷۷: ۴۶).

پس از رحلت امام سجاد(ع)، حکومت بنی‌امیه در

سال‌ها علوی‌گری با گمارش امثال حجاج بن یوسف بسیار پُرهزینه بود (مسعودی، ۱۴۰۹ق، ج ۳: ۱۲۵؛ طبری، ۱۹۷۱، ج ۶: ۳۸۱-۳۸۲؛ ابن‌عبری، ۱۹۹۲م: ۱۱۲؛ ابن‌ابی‌الحدید، ۱۳۷۸ق، ج ۱۱: ۴۶).

علی بارها مورد تحسین و اقتدای اندیشمندان و مصلحان غیرمسلمان و بزرگان اهل سنت قرار گرفته است (بارا، ۱۳۸۱: ۴۸-۴۷؛ ۸۴-۸۳؛ سایکس، ۱۳۶۸، ج ۱: ۷۵۲-۷۵۱؛ عقیلی، ۱۳۹۵: ۱۲۶-۱۰۸).

علی بن حسین تنها مرد از خانواده حسین بود که به دلیل بیماری شدید، یزیدیان نتوانستند او را بکشند و به اسارت درآمد (ابن‌سعد، ۱۴۱۴ق، خامسه ۱: ۴۷۸-۴۷۹؛ بلاذری، ۱۳۷۹ق، ج ۳: ۲۰۶؛ طبری، ۱۳۸۷ق، ج ۵: ۴۵۷ و ۴۶۸؛ اصفهانی، ابوالفرج، بی‌تا: ۱۱۹). کاروان اسرا در مسیر سختی از کوفه تا شام کوچانده شد و در طول مسیر هدف شدیدترین تحقیرها و توهین‌ها قرار گرفت؛ به نحوی که برخی از فرزندان خردسال کاروان در این مسیر از دنیا رفتند؛ ولی این دشواری‌ها باعث نشد علی بن الحسین و زینب دختر علی(ع) که سرپرستی کاروان را بر عهده داشتند، در مقابل فشارهای دشمن منفعل شوند؛ بلکه مناظره صورت‌گرفته بین آنان و کارگزار یزید در مسجد کوفه (بلاذری، ۱۳۷۹ق، ج ۳: ۲۲۰؛ طبری، ۱۳۸۷ق، ج ۵: ۴۵۸ و ۴۶۱؛ اصفهانی، ابوالفرج، بی‌تا: ۱۲۰؛ ابن‌اثیر، ۱۳۸۵ق، ج ۴: ۸۲ و ۸۶) و نیز بین آنان و شخص یزید در شام (بلاذری، ۱۳۷۹ق، ج ۳: ۲۱۶؛ طبری، ۱۳۸۷ق، ج ۵: ۴۶۱-۴۶۲؛ ابن‌جوزی، ۱۴۱۲ق، ۵: ۳۴۳) نشان می‌دهد کاملاً در موضع عزت، عملکرد غلط دشمنان را منکوب می‌کنند و این در حالی است که زبان تیز آنان به‌راحتی می‌توانست سرنوشتی مشابه حسین برایشان رقم بزند.^۱ علی بن حسین پس از مراجعت به مدینه بر همان

۱. یزید پس از برخورد خشنی که در واقعه کربلا از خود نشان داد و پس از حمله و خونریزی فراوان در مدینه، مُرد (بلاذری، ۱۴۱۷، ج ۵: ۳۵۴) و پسرش معاویه به خلافت رسید. او پس از رسیدن به حکومت خطبه‌ای می‌خواند و بر صلاحیت علی و ناشایستگی پدرانش برای حکومت تأکید می‌کند و آنها را بابت آزار خانواده پیامبر شتمات می‌کند. او در کمتر از دو ماه از حکومت کناره‌گیری کرد یا ناچار به کناره‌گیری شد (یعقوبی، بی‌تا، ج ۲: ۲۵۴؛ مسعودی، ۱۴۰۹، ج ۳: ۷۳) پس از معاویه، مروان و عبدالملک به حکومت رسیدند و سخت‌گیری بر علویان را به اوج رساندند و در تمام این

آستانه زوال قرار گرفت و پس از فروپاشی قدرت به بنی عباس منتقل شد؛ بنابراین، فرصتی برای دو امام بعدی فراهم شد که حوزه‌های علمی گسترده‌ای شکل دهند و انبوهی از شاگردان به گرد ایشان جمع شدند. این موضوع باعث شد استحکام علمی این خانواده بر فقیهان و متکلمان غیرهمسو با ایشان محرز شود و این افزون بر همان فضائل ثابت اخلاقی و عبادی است که در این خانواده ثبوت داشته است.^۱ درباره امام باقر(ع) بسیاری از بزرگان و دانشمندان اهل سنت، به وثاقت و جلالت ایشان تصریح کرده‌اند^۲ و برخی از آنان نیز با اوصافی بلند و ستایشی والا از ایشان یاد کرده‌اند؛ از جمله: ابن سعد، احمد بن حنبل، احمد بن عبدالله عجللی، ابن قتیبه دینوری، ابوحاتم رازی، ابن حبان، ابونعیم اصفهانی، محمد بن طلحه شافعی، سبط بن جوزی، ابن خلکان، ذهبی، ابن کثیر، ابن حجر هیثمی، ابن حجر عسقلانی و بسیاری دیگر (نک: طبسی، ۱۳۸۴: ۴۴-۵۶). محمدباقر به اندازه‌ای گنج‌های پنهان معارف و دانش‌ها را آشکار ساخته و حقایق احکام و حکمت‌ها و لطایف دانش‌ها را بیان کرده است که جز

۱. ابن صباغ مالکی می‌گوید: محمد بن علی بن الحسین(ع)، با وجود علم و فضل و بزرگواری و ریاست و امامت، اهل جود به خاص و عام بود. او مشهور به کرم بر همه بود. او با کثرت عیال و متوسط‌الحال بودن در مال، معروف به فضل و احسان بود (ابن صباغ، بی‌تا: ۲۰۴).

۲. پیامبر(ص) فرموده‌اند: خداوند برای این امت در سر هر قرن شخصی را بر می‌انگیزد که وی دین آنان را تجدید کند. (سجستانی، ۱۴۱۰ق، ۲: ۳۱۱؛ نیشابوری، بی‌تا، ۴: ۵۲۲؛ عسقلانی، بی‌تا، ۱۳: ۲۵۱؛ طبرانی، ۱۴۱۵ق، ۶: ۳۲۴؛ سیوطی، ۱۴۰۱ق، ۱: ۲۸۲؛ متقی‌هندی، ۱۴۰۹ق، ۱۲: ۱۹۳) البته این حدیث در منابع شیعی نقل نشده و کسانی چون شهید مطهری آنرا از جهت متن و سند ضعیف شمرده‌اند. (مطهری، ۱۳۸۶، ۱۱۳-۱۱۷)

نکته اینجاست که ابن اثیر بعد از نقل این روایت می‌گوید: احیاکننده مذهب شیعه در پایان قرن اول هجری، محمد بن علی امام باقر(ع) (متوفی ۱۱۳ هجری)؛ در پایان قرن دوم علی بن موسی امام رضا(ع) (م ۲۰۲ هجری) و در پایان قرن سوم ابو جعفر محمد بن یعقوب کلینی رازی (متوفی ۳۲۹ هجری) بوده است. (ابن اثیر، ۱۴۰۴ق، ۱۲: ۲۲۰-۲۲۲)

بر عناصر بی‌بصیرت یا بدسیرت پوشیده نیست و از همین جاست که او را شکافنده و جامع علوم و برافرازنده پرچم دانش خوانده‌اند (هیثمی، ۱۳۸۵ق: ۲۰۱). «عبدالله بن عطا»، یکی از شخصیت‌های برجسته و دانشمندان بزرگ عصر امام، می‌گوید «من هرگز دانشمندان اسلام را در هیچ محفل و مجمعی به اندازه محفل محمد بن علی(ع) از نظر علمی حقیر و کوچک ندیدم. من «حکم بن عتیبه» را دیدم که در علم و فقه مشهور آفاق بود؛ اما در خدمت محمدباقر مانند کودکی در برابر استاد عالی مقام، زانوی ادب بر زمین زده و شیفته و مجذوب کلام و شخصیت او شده بود (سبط بن جوزی، ۱۴۱۸ق: ۳۰۲) و علاوه بر اینها، علمای دیگری از اهل سنت نیز امام باقر(ع) را بزرگ فقها دانسته‌اند و از ایشان به بزرگی و وثاقت یاد کرده‌اند (سبط بن جوزی، ۱۴۱۸ق: ۳۰۲؛ ابن کثیر، ۱۴۲۲ق، ج ۹: ۳۳۸؛ جاحظ، ۱۴۲۳ق: ۱۰۸؛ اصفهانی، ابونعیم، بی‌تا، ج ۳: ۱۶۶؛ فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۳: ۱۲۵؛ شافعی، بی‌تا، ج ۲: ۱۰۰؛ ابن ابی‌الحدید، ۱۳۸۷ق، ج ۱۵: ۲۷۷؛ قرطبی، ۱۳۶۴ش، ج ۱: ۴۸۳؛ نووی، ۱۳۸۰ق، ج ۱: ۱۰۳؛ ابن خلکان، بی‌تا، ج ۴: ۳۰؛ ذهبی، بی‌تا، ۱: ۱۴۲؛ ابن کثیر، ۱۴۲۲ق، ج ۹: ۳۳۸؛ عسقلانی، ۱۴۱۵ق، ج ۲: ۵۴۱؛ ابن صباغ، بی‌تا: ۲۰۱؛ هیثمی، ۱۳۸۵ق: ۳۰۴؛ حنبلی دمشقی، ۱۴۰۶ق، ج ۱: ۲۶۰؛ زرقانی، بی‌تا، ج ۲: ۴۰۳؛ شبرای، ۱۳۸۸ق: ۱۴۳-۱۴۵؛ صبان، ۱۳۰۳ق: ۲۵۰؛ نیهانی، بی‌تا، ج ۱: ۹۷) استفاده اندیشمندان و نحله‌های مختلف در حل بسیاری از مشکلات علمی (شبرای، ۱۳۸۸ق: ۱۴۴) و مالی (فتال نیشابوری، ۱۳۷۵، ج ۱: ۲۰۴) سبب کینه‌توزی بنی‌امیه نسبت به او و تصمیم بر شکستن شخصیت علمی او شد (مفید، ۱۴۱۳، ج ۲: ۱۶۳؛ فتال نیشابوری، ۱۳۷۵، ج ۱: ۲۰۳).

هشام بن عبدالملک که از اقبال مردم به او احساس خطر کرد، با سعی به دست ابراهیم بن یزید بن ولید او را مسموم و به شهادت رسانید (ابن صباغ مالکی، بی‌تا، ج ۲: ۹۰۵).

درباره امام صادق(ع) نیز بسیاری از بزرگان و دانشمندان اهل سنت، به وثاقت و جلالت ایشان تصریح و

پیش‌بینی‌هایی از امام صادق(ع) در منابع روایی شیعه نقل شده است که پس از چندین سال محقق شده است؛ از جمله پیش‌بینی ایشان مبنی بر تبدیل شدن شهر قم به مرکز نشر معارف تشیع در سطح جهان. این پیش‌بینی در نسخ خطی کتب حدیثی شیعه از چند صد سال پیش موجود بوده و هست (مفید، ۱۴۱۳ق: ۱۰۱؛ کشی، ۱۴۰۹ق: ۳۳۳؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۵۷: ۲۱۳). در آن زمان قم به هیچ‌وجه در شرایطی قرار نداشته است که چنین تعبیری راجع به آن مصداق داشته باشد؛ ولی از حدود نود سال پیش با تأسیس حوزه علمیه قم کم‌کم بر شهرت این حوزه افزوده شد و پس از گذراندن سه نسل، به حدی از شهرت رسیده است که می‌توان آن را مرکز اصلی نشر معارف تشیع در جهان دانست.

در سال ۱۴۸ امام جعفر صادق(ع) در شهر مدینه درگذشت؛ ولی مکتب علمی او تعطیل نشد، بلکه به رهبری جانشین و فرزندش موسی کاظم(ع)، شکوفایی خود را حفظ کرد (علی، ۱۹۹۰: ۲۰۹). موسی کاظم وارث علوم و دانش‌های پدر و دارای فضل و کمال او بود. او در پرتو عفو و گذشت و بردباری فوق‌العاده‌اش در برابر رفتار با مردم نادان «کاظم» لقب یافت و در زمان او هیچ‌کس در معارف الهی و دانش و بخشش به پایه او نمی‌رسید (هیثمی، ۱۳۸۵ق: ۲۰۳). علمای بزرگی از اهل سنت گاهی با نقل داستان‌هایی به بزرگواری و سخاوت و فروخوردن خشم امام کاظم شهادت داده‌اند (خطیب بغدادی، ۱۴۱۷ق، ج ۱: ۱۲۰؛ ابن جوزی، ۱۴۱۲ق، ج ۹: ۸۹؛ رازی، ۱۳۷۱ق، ج ۸: ۱۳۸؛ سمعانی، ۱۳۸۲ق، ج ۵: ۴۰۵؛ ابن جوزی، ۱۳۵۵ق، ج ۲: ۱۸۴؛ ابن اثیر، ۱۳۸۵ق، ج ۶: ۱۴؛ شافعی، بی‌تا، ج ۲: ۱۲۰؛ ذهبی، العبر، بی‌تا، ج ۱: ۲۲۲؛ یافعی، بی‌تا، ج ۱: ۳۰۵؛ ابن کثیر، ۱۴۲۲ق، ج ۱۰: ۱۹۷؛ عسقلانی، ۱۴۰۴ق، ج ۸: ۳۹۳؛ شوکی، ۱۴۳۲ق، ج ۲: ۱۱۲؛ هیمی، بی‌تا: ۳۰۸-۳۰۷؛ صبان، ۱۳۰۳ق: ۲۴۶؛ ابن تیمیه، ۱۴۰۶ق، ج ۲: ۱۲۴) و همچنین خطیب بغدادی داستانی را نقل می‌کند که او چگونه با یک جمله توانست یکی از متمولین

با اوصافی بلند و ستایشی والا از ایشان یاد کرده‌اند؛ از جمله ابوحنیفه که می‌گوید «دانشمندتر از جعفر بن محمد ندیده‌ام» (ذهبی، تذکره، بی‌تا، ج ۱: ۱۶۶). ابوحاتم گفت «مورد اعتماد است و درباره کسی همانند او پرسش نمی‌شود» (همان). ابن خلکان می‌گوید «یکی از امامان دوازده‌گانه امامیه و از بزرگان اهل بیت پیامبر است. به دلیل راستی در گفتار، به لقب صادق مشهور شد و فضایل او مشهورتر از آن است که نیازمند یادآوری باشد» (ابن خلکان، بی‌تا، ج ۱: ۳۲۷). ابن حجر نیز توثیقات و توصیفات بلند دیگر دانشمندان اهل سنت درباره امام صادق(ع) را یادآور شده است (عسقلانی، ۱۳۲۶ق، ج ۲: ۱۰۴). ذهبی نام دانشمندان بزرگ اهل سنتی را ذکر کرده است که از محضر علمی ایشان استفاده کرده‌اند (ذهبی، ۱۴۱۳ق، ج ۶: ۲۵۵-۲۵۶). بسیاری دیگر از دانشمندان بزرگ اهل سنت نیز به جلالت و وثاقت ایشان تصریح کرده‌اند (نک. حسینی شاه‌ترابی، ۱۳۸۹: ۷۶-۷۷) و مکاتب درسی پُر رونق ایشان شایان توجه شرق‌شناسان قرار گرفته است. او مناظرات متعددی با صاحب افکار مختلف ترتیب داده است (اصفهانی، ابونعیم، بی‌تا، ج ۳: ۱۹۳) و تفوقش در علوم دینی در تاریخ ثبت است. امامان چهارگانه اهل سنت با واسطه یا بدون واسطه از محضر او علم‌آموزی کرده‌اند ابوحنیفه می‌گوید: اگر آن دو سالی که از علوم امام صادق(ع) بهره برده‌ام نبود، هلاک شده بودم (دهلوی، ۱۳۷۳ق: ۹). مالک بن انس می‌گوید: هرگز افضل از جعفر بن محمد صادق در علم و عبادت و ورع، چشمی ندیده و گوشی نشنیده و به قلب بشری خطور نکره است و نیز گفته است: هرگز او را ندیدم که بدون وضو از رسول خدا(ص) حدیث نقل کند (عسقلانی، ۱۴۰۴ق، ج ۲: ۱۰۴). اوایل دوران امامت او با استقرار حکومتی مقتدر هم‌زمان نبوده است؛ ولی او در اواخر دوره امامت در فشارهای مختلفی (اعم از احضار و تهدید به قتل و ...) از جانب منصور دوانیقی قرار داشته است (ابن طبایغ مالکی، بی‌تا، ج ۲: ۹۱۷، ۹۲۸؛ سبط بن جوزی، ۱۴۱۸ق: ۳۴۶).

عاصی بغداد را متنبه کند و توبه دهد (خطیب بغدادی، ۱۴۱۷ق، ج ۷: ۶۷). او با هارون، یکی از مقتدرترین خلفای عباسی هم عصر بود؛ ولی گفت‌وگوهایی که بین او و هارون ثبت شده است، نشان می‌دهد موسی بن جعفر در گفت‌وگوی با او منفعل نبوده و مشروعیت‌نداشتن حکومت هارون را به رخ او می‌کشیده است (هیثمی، ۱۳۸۵ق: ۲۰۴؛ سبط بن جوزی، ۱۴۱۸ق: ۳۵۰؛ ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹ق، ج ۴: ۳۲۰؛ اصفهانی، بی‌تا: ۳۵۰). در نهایت هارون او را به حبسی سخت و طولانی مبتلا ساخت و چون بر مسیر خود استوار ماند و حتی در زندان نیز حاضر به تأیید و همراهی هارون نشد، جاننش را در این راه از دست داد. قبر او در حاشیه بغداد قرار دارد که از مراکز اهل سنت در آن زمان بود. ابن صباغ در کتاب الفصول المهمة می‌نویسد: او [موسی بن جعفر] نزد اهالی عراق به باب حوائج الی الله معروف بود؛ زیرا در برآورده شدن حاجات مسلمانان و رسیدن به مطلوب آنان و برآورده شدن نیازمندی آنان و رسیدن به مقاصد آنان نتیجه حاصل می‌شد (ابن صباغ، بی‌تا: ۹۳۲) و نقل شده که شافعی (از امامان چهارگانه اهل سنت) همیشه می‌گفت: قبر موسی کاظم «نوشداروی مجرب» است (ابن سمعون، ج ۱: ۱۲۵؛ دمیری، ج ۱: ۱۸۹).

ابن صباغ مالکی از مخزومی نقل کرده است موسی کاظم (ع) شخصی را به نزد ما فرستاد، آنگاه فرمود: آیا می‌دانید برای چه شما را جمع کرده‌ام؟ گفتیم: خیر. او گفت: شاهد باشید که این فرزندم - اشاره کرد به علی بن موسی الرضا (ع) وصی من و قائم به امر من و خلیفه بعد از من است و مضمون مشابهی هم از داوود بن کثیر رقی نقل کرده است (ابن صباغ، بی‌تا: ۲۲۶).

شمار فراوانی از علمای اهل سنت به تفصیل درباره فضایل اخلاقی و جایگاه علمی بلند علی بن موسی (ع) سخن گفته‌اند (ابن ابی‌الحدید، ۱۳۷۸ق، ج ۱۵: ۲۷۸؛ بجستانی، بی‌تا، ج ۷۵؛ بغدادی، بی‌تا: ۱۴۳؛ هیثمی، ۱۳۸۵ق: ۱۲۲؛ سمهودی، ۱۴۱۵ق: ۳۵۳؛ ذهبی، ۱۴۱۳ق، ج ۹: ۳۸۸-۳۸۷ و ۳۹۲؛ زرکلی، ۱۹۸۰ق، ج ۵: ۲۶؛ یافعی،

۱۴۱۷ق، ج ۲: ۱۱؛ نهانی، بی‌تا: ۳۱۱). محمد بن طلحه شافعی می‌گوید «سخن درباره امیرالمؤمنین علی و زین‌العابدین (ع)، گذشت و ایشان علی الرضا (ع)، سومین آنها است. کسی که در شخصیت ایشان تأمل کند، در می‌یابد که علی بن موسی، وارث امیرالمؤمنین علی و زین‌العابدین (ع) است و حکم می‌کند ایشان سومین علی است. ایمان و جایگاه و منزلت ایشان و فراوانی اصحاب ایشان، باعث شد مأمون او را در امور حکومت شریک کند و ولایت‌عهدی را به ایشان بسپارد...» (شافعی، بی‌تا: ۲۹۵). ابن صباغ مالکی به نقل از بعضی از اهل علم می‌گوید «علی بن موسی الرضا (ع) دارای والاترین و افرتترین فضایل و کرامات و برخوردار از برترین اخلاق و صورت و سیرت است که از پدران او به ارث برده است...» (ابن صباغ، ج ۲: ۱۰۲۳؛ بزرگان دیگر همچون ابن ابی‌الحدید (ابن ابی‌الحدید، ج ۱۲: ۵۴؛ ج ۱۵: ۲۹۱)، ذهبی (ذهبی، ۱۴۱۳ق، ج ۹: ۳۸۷) و نهانی (نهانی، بی‌تا، ج ۲: ۳۱۱) از جمله افرادی هستند که از امام رضا (ع) تجلیل کرده‌اند و در اشاره به مقام علمی آن حضرت مطالبی را بیان داشته‌اند و این اندکی از بسیار است.^۱ حاکم نیشابوری نیز به این ماجرا تصریح می‌کند و می‌گوید: با وجود اینکه امام رضا (ع) بیست و چند ساله بود، در مسجد رسول خدا فتوا می‌داد و بزرگان اهل سنت از او روایات نقل کرده‌اند (حاکم نیشابوری، ۱۳۳۹: ۱۴۸).

مأمون عباسی، علی بن موسی را از مدینه به مرو فراخواند و او را ولیعهد خود کرد و این در حالی بود که امام از این موضوع کراهت داشت و بارها به عناوین مختلف نارضایتی خود را از آن ابراز داشته بود (طبری،

^۱. شایان ذکر است تمجید و بزرگداشت مقام علمی امام، تنها به قدمای اهل سنت اختصاص ندارد؛ بلکه بسیاری از معاصرین اهل سنت و جماعت نیز در این باره اظهار نظر کرده‌اند. نویسنده کتاب امام رضا (ع) به روایت اهل سنت، در ابتکاری جالب، سخنان بزرگان اهل سنت درباره آن حضرت را به ترتیب از قرون نخست اسلامی تا دوران معاصر نقل کرده است (طیبی: ۱۲۹-۱۴۹).

دست به دعا برداشت و فرمود پروردگارا، تو حق ما اهل بیت را بزرگ داشتی و این مردم، چنانکه فرمان دادی، به ما توسل جسته‌اند و چشم به فضل و رحمت تو دارند و نعمتت را انتظار می‌کشند، پس آنان را با بارانی سودمند و گسترده و بدون زیان سیراب گردان. راوی می‌گوید: پس از پایان یافتن دعای علی بن موسی الرضا(ع) ابرهای باران‌زا در آسمان پدیدار شد و رعد و برق آغاز شد. مردم به تصور باریدن باران دنبال سرپناه می‌گشتند. امام فرمود: این ابرها از آن این منطقه نیستند، این مسئله چندبار رخ داد تا اینکه در یک نوبت امام فرمود: خداوند این ابرها را برای شما فرستاده است. پس پروردگارتان را بر این نعمت و تفضل سپاس گذارید و به سوی خانه‌هایتان بروید؛ زیرا تا به منازلتان نروید، این ابرها بر شما نخواهند بارید و همین‌گونه شد (حموی، ۱۴۰۰ق، ج ۲: ۱۲۱-۲۱۴).

با آنکه شیعیان بر شهادت امام‌شان پافشاری دارند، مورخان و محدثان اهل سنت در این باب دو گروه‌اند و بخشی مرگ ایشان را طبیعی دانسته‌اند (مقدسی، بی‌تا، ج ۶: ۱۱۱؛ ذهبی، تاریخ‌الاسلام، ج ۱۴: ۱۳؛ طبری، ۱۳۸۷ق، ج ۸: ۵۶۸؛ ابن‌عبری، ۱۹۹۲م: ۱۳۴؛ رازی، ۱۳۷۹ق، ج ۴: ۱۴۱؛ ابن‌اعثم کوفی، ۱۴۱۱ق، ج ۸: ۲۲۴؛ ابن‌اثیر، ۱۳۸۵ق، ج ۶: ۳۵۱؛ ابن جوزی، ۱۴۱۲ق، ج ۱۰: ۱۱۵) و برخی مسمومیت را طرح کرده‌اند (مسعودی، ۱۴۰۹ق، ج ۳: ۴۱۷؛ یعقوبی، بی‌تا، ج ۲: ۴۵۳؛ ابن‌حبان، ۱۳۹۳ق، ج ۸: ۴۵۶-۴۵۷؛ ذهبی، سیر أعلام النبلاء، ۱۴۱۳ق، ج ۹: ۳۹۳)؛ به هر حال، بدیهی است امام در دوران دو ساله ولایت‌عهده‌ی، زاویه‌ی زیادی با مأمون داشت (اصفهانی، بی‌تا، ۴۵۳-۴۶۰؛ صدوق، ۱۳۶۲: ۷۲) و از طرف دیگر، خاندان عباسی و عموزادگان مأمون در بغداد، به‌شدت از حضور فضل بن سهل و علی بن موسی در کنار مأمون خشمگین بودند. پس از اینکه خاندان عباسی در بغداد با عموی مأمون بیعت کردند، مأمون آهنگ بغداد کرد و در فاصله‌ی بسیار کوتاهی هم فضل بن سهل و هم امام رضا(ع) حین همراهی مأمون در راه بغداد، مرگ را چشیدند و همین موضوع این احتمال را تقویت می‌کند که این هر دو

۱۳۸۷ق، ج ۸: ۵۵۴؛ اصفهانی، ابوالفرج، بی‌تا: ۴۵۳-۴۵۴؛ رازی، ۱۳۷۹ق، ج ۴: ۱۳۱؛ ابن‌اثیر، ۱۳۸۵ق، ج ۶: ۳۲۶؛ ابن جوزی، ۱۴۱۲ق، ج ۱۰: ۹۳). درنهایت و پس از اینکه به دلیل فشارهای مأمون مجبور به پذیرش ولایت عهدی شد، شرط کرد در هیچ‌یک از امور حکومتی (همچون عزل و نصب‌ها و ...) دخالت نکند و با درج این شرط هوشمندانه، بی‌اعتنایی و نارضایتی خود را به آیندگان اثبات کرد (شافعی، بی‌تا: ۲۹۵)؛ البته جایگاه ولایت عهدی باعث شد فضائل امام بیشتر دیده شود. در همین دوران مأمون مناظرات متعددی با حضور بزرگان مذاهب و فرق مختلف برگزار می‌کرد و امام نیز دعوت می‌شد (صدوق، ۱۳۷۸ق، ج ۱: ۱۵۴ به بعد). درخشش عجیب امام در مناظرات و تسلط در لحظه‌ی ایشان بر تورات و انجیل، تحسین‌برانگیز است (همان، ج ۱: ۱۵۶، ۱۶۱، ۱۶۴ و ۱۶۶) و بزرگان برخی از نحله‌های معارض فلسفی پس از این مناظرات در سلک یاران نزدیک امام درآمدند.

در منابع شیعی و برخی منابع اهل سنت روایاتی هست که رسول اکرم و امامان قبلی و حتی خود امام از دفن حضرت، در طوس (با فاصله‌ای چند هزار کیلومتری نسبت به حجاز و عراق که محل زیست طبیعی پدران ایشان بود) خبر داده‌اند (قندوزی، ۱۴۱۶ق، ج ۲: ۳۴۱). به‌طور کل، راویان اهل سنت روایاتی را نقل کرده‌اند که در آنها امام رضا(ع) از آینده‌ی خبر داده است. خبر سقوط برمکیان (حموی، ۱۴۰۰ق، ج ۲: ۲۰۹) خبر از محل دفن خود و هارون (ابن‌صباغ، بی‌تا: ۳۷۶؛ نیهانی، بی‌تا، ج ۲: ۳۱۲) کشته‌شدن امین به دست مأمون (شیراوی، ۱۳۸۸ق: ۱۶۰) کشته‌شدن امین به دست مأمون (ابن‌صباغ، بی‌تا: ۳۸۴) و مانند آن از جمله این‌هاست. یکی از کرامات او که شیعه و اهل سنت آن را نقل کرده‌اند، ماجرای دعای باران ایشان است. حاکم نیشابوری به تفصیل نقل می‌کند پس از ورود ایشان به مرو، در آن شهر خشکسالی پدید آمده بود و به درخواست مردم و خلیفه، امام روز دوشنبه به صحرا رفت، بعد از ادای دو رکعت نماز و ستایش پروردگار،

به دستور مأمون و برای برقراری راحت‌تر ارتباط با عباسیان کشته شده‌اند (طبری، ۱۳۸۷ق، ج ۸: ۵۶۴؛ یعقوبی، بی‌تا، ج ۲: ۴۵۲؛ مسعودی، بی‌تا: ۳۰۳؛ دینوری، ۱۹۹۲: ۳۹۰).

ابن حبان در کتابش «الثقات» می‌نویسد «علی بن موسی الرضا(ع) در طوس با شربتی که مأمون به او داد، همان ساعت به شهادت رسید ... قبرش در سناباد بیرون نوقان مشهور است، مردم به زیارت قبر او در کنار قبر رشید می‌آیند. من او را بسیار زیارت کرده‌ام. هنگامی که طوس بودم، هیچ گرفتاری بر من عارض نمی‌شد؛ جز آنکه به زیارت قبر علی بن موسی الرضا می‌رفتم و از خداوند متعال می‌خواستم که آن گرفتاری را از من دور کند، خداوند نیز دعایم را مستجاب کرد و آن گرفتاری‌ها را از من برطرف ساخت. و این مطلبی است که بارها آن را تجربه کرده‌ام و در هر بار نیز گرفتاری‌ام برطرف شده است. خداوند ما را بر محبت مصطفی و اهل بیتش بمیراند» (ابن حبان، ۱۳۹۳ق، ج ۸: ۴۵۶-۴۵۷). ذهبی درباره طوس چنین اظهار نظر می‌کند «و لعلی بن موسی مشهد بطوس یقصدونه بالزیارة»، «و له مشهد کبیر بطوس یزار» (ذهبی، ۱۴۱۳ق، ج ۹: ۳۹۳).

برخورد بزرگان اهل سنت با مزار امام رضا(ع) نیز جالب و شگفت‌انگیز است؛ به طور مثال، حاکم نیشابوری شافعی می‌گوید: از محمد بن مؤمل شنیدم که می‌گفت «روزی با پیشوای اهل حدیث ابوبکر بن خزیمه و ابوعلی ثقفی و دیگر مشایخ خود به زیارت قبر علی بن موسی الرضا به طوس رفتیم؛ در حالی که آنها بسیار به زیارت قبر ایشان می‌رفتند. محمد بن مؤمل می‌گوید: احترام و بزرگداشت و تواضع و گریه و زاری ابن خزیمه نزد قبر علی بن موسی، همگی ما را شگفت‌زده کرد. قبر علی بن موسی در تمام این هزار سال ملجاء درماندگان بوده است. به تازگی آستان قدس رضوی پژوهشی انجام داده است که در آن تجربه حدود چهل نفر از شفایافتگان که تاریخ و ساعت شفای آنها در حرم مطهر رضوی دقیقاً مشخص است، به صورت عمیق کاویده شده است و پس از بررسی

پرونده پزشکی و استماع شهادت شاهدان عینی و شخص اطرافیان در کتابی با همین نام گردآوری شد که محتوای آن اطمینان‌بخش است (نک: سهیلی: ۱۳۹۰: ۲۶۴-۱).

علی بن موسی تا اواخر عمرش، از داشتن فرزند ذکور محروم بود و از این نظر پیوسته مورد طعن مخالفان قرار می‌گرفت و دوستان در ادامه سلسله شکوه‌مند دچار تردید شدند (طبری آملی، ۱۴۱۳ق: ۲۰۴؛ ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹ق، ج ۴: ۳۸۲)؛ ولی او پیوسته وعده می‌داد که خداوند پسری به او عطا خواهد کرد. عاقبت این موضوع واقع شد و خداوند محمد را به او عطا کرد. ابن صباغ مالکی از صفوان بن یحیی نقل می‌کند که گفت: به حضرت رضا(ع) عرض کردم: قبل از آنکه خدا به شما اباجعفر را عنایت فرماید، ما از شما سؤال می‌کردیم که قائم بعد از شما کیست؟ می‌فرمودید: خداوند به من فرزندی عنایت خواهد کرد. الان خداوند به شما فرزندی عنایت کرده و چشمان ما به آن نورانی شده است. اگر اتفاقی افتاد و شما را ندیدیم، به چه کسی رجوع کنیم؟ حضرت با دستش به ابوجعفر، امام جواد(ع) اشاره کرد، در حالی که سه ساله بود. به حضرت عرض کردم: اینک سه سال بیشتر ندارد؟ حضرت فرمود: ایرادی ندارد؛ زیرا عیسی در سن کمتر از سه سال، حجت خدا بود و نیز از معمر بن خلاد نقل کرده که گفت: از امام رضا(ع) شنیدم که در جواب مطلبی فرمود: ... این اباجعفر است که من به جای خود نشانده‌ام و آن را در مکان خود قرار داده‌ام. آنگاه فرمود: ما اهل بیتی هستیم که کودکان ما از بزرگانمان به تمامه ارث می‌برند (کلینی، ۱۳۸۸ق، ج ۱: ۳۲۰؛ ابن صباغ، بی‌تا: ۲۴۷)؛ البته دشمنان و دوستان درباره وصایت این کودک برای امام، انتقاد و تردید داشتند و بنابراین، بارها از نظر علم و فضل او را آزمودند و از درجات کمال او حیرت‌زده شدند. بسیاری از علمای اهل سنت امام جواد(ع) را به دلیل سخاوت و کرامت ستوده‌اند

۱. سوره مریم، آیه ۲۹-۳۰.

دیده بودند، در وثاقت و جلالت او مردد نشدند. بنا به گزارش مسعودی، معتصم به یکی از دانشمندان مخالف اهل بیت مأموریت داد پیوسته ملازم این کودک باشد و به او جهت دهد؛ اما همین دانشمند نیز پس از مدتی به جرگه هواخواهان او پیوست (مسعودی، ۱۴۰۹ق، ج ۴: ۸۴). علی بن محمد از احترام ویژه‌ای نزد علمای اهل سنت برخوردار بوده است. با مراجعه به کتب تاریخ و تراجم سلسله‌ای از علمای قدیم و جدید اهل سنت وجود دارد که او را از نظر تفقه، تعبد و فضائل اخلاقی ستوده‌اند؛ از جمله جاحظ، ۱۴۲۳ق: ۱۰۶؛ حموی، ۱۹۹۵، ج ۵: ۳۲۸؛ ذهبی، العبر، بی‌تا، ج ۱: ۳۶۴؛ ذهبی، ۱۴۱۳ق، ج ۱۳: ۱۲۱؛ یافعی، بی‌تا، ج ۲: ۱۱۹؛ ابن‌کثیر، ۱۴۲۲ق، ج ۱۱: ۱۹؛ ابن‌صباغ، بی‌تا، ۲۷۰؛ هیثمی، ۱۳۸۵ق: ۳۱۲؛ حنبلی دمشقی، ۱۴۰۶ق، ج ۲: ۲۷۲؛ شبرای، ۱۳۸۸ق: ۱۳۶؛ بحستانی، بی‌تا: ۷۷؛ شبلنجی، ۱۳۶۸ق: ۱۸۱؛ ترمزینی، ۱۳۸۵، ج ۲: ۱۳۱؛ عبدالغنی، ۱۴۱۸ق، ج ۱: ۱۶۰. به گواهی تاریخ، استحکام درونی امام علی النقی (ع)، متوکل خلیفه عباسی را در مجلس عیاشی منقلب ساخت و به گریه انداخت (مسعودی، ۱۴۰۹ق، ج ۴: ۱۱) و در منابع معتبر، اخباری از کرامات او و تکلمش به زبان‌های مختلف نقل شده است (صفار، ۱۴۰۴ق، ج ۱: ۳۳۳؛ مفید، ۱۴۱۳ق: ۲۸۹؛ اربلی، ۱۳۸۱ق، ج ۲: ۳۸۹). او نیز همانند پدر، پدرزگر و جدش، به درخواست خلیفه وقت^۲ به مرکز حکومت فراخوانده شد (یعقوبی، بی‌تا، ج ۲: ۴۸۴) و به سرنوشتی کمابیش شبیه آنان دچار شد و در غربت جان سپرد (همان، ج ۲: ۵۰۳؛ طبری، ۱۳۸۷ق، ج ۹: ۳۸۱؛ مسعودی، ۱۴۰۹ق، ج ۴: ۸۶). برخی از منابع از تأثیرپذیری شدید عامل حکومت عباسی در کوچاندن امام به عراق از ایشان و گرویدن وی به مذهب تشیع خبر داده‌اند (مسعودی، ۱۴۰۹ق، ج ۴: ۱۱؛ مسعودی، ۱۴۲۶ق: ۲۳۷).

^۲ متوکل هم‌زمان با فراخواندن امام هادی (ع) به مرکز حکومت، نسبت به تخریب قبر حسین بن علی (ع) در کربلا نیز دستور داد (طبری، ۱۳۸۷ق، ج ۹: ۱۸۵؛ مسعودی، ۱۴۰۹ق، ج ۴: ۵۱؛ اصفهانی، بی‌تا: ۵۱۸).

(جاحظ، ۱۴۲۳ق: ۱۰۶؛ شافعی، بی‌تا، ج ۲: ۱۴۰-۱۴۱؛ سبط بن جوزی، ۱۴۱۸ق: ۳۲۱؛ ابن‌تیمیه، ۱۴۰۶ق، ج ۴: ۶۸؛ ابن‌صباغ، بی‌تا: ۲۶۵؛ شبرای، ۱۳۸۸ق: ۱۶۸؛ نیهانی، بی‌تا، ج ۱: ۱۶۸-۱۶۹؛ بغدادی، بی‌تا: ۱۴۷؛ زرکلی، ۱۹۸۰م، ج ۶: ۲۷۱-۲۷۲). سبط بن جوزی می‌گوید «او در علم و تقوا و زهد و بخشش بر روش پدرش بود» (سبط بن جوزی، ۱۴۱۸ق: ۳۵۹). گفته‌اند که مأمون او را به دامادی انتخاب کرد (طبری، ۱۳۸۷ق، ج ۸: ۵۶۶)؛ زیرا با وجود سن کم، از نظر علم و آگاهی و حلم بر همه دانشمندان برتری داشت (هیثمی، ۱۳۸۵ق: ۲۰۵). شبلنجی می‌گوید «مأمون پیوسته شیفته او بود؛ زیرا با وجود سن کم، فضل و علم و کمال عقل خود را نشان داد و برهان (عظمت) خود را آشکار ساخت» (شبلنجی، ۱۳۶۸ق: ۱۶۱)، به صورت خاص در دربار مأمون مناظره‌هایی بین محمد بن علی الجواد با عالم و قاضی برجسته عباسیان صورت پذیرفته که با پیروزی این نوجوان بر قطب فقهی عباسیان پایان گرفته است (هیثمی، ۱۳۸۵ق: ۱۲۳؛ سبط بن جوزی، ۱۴۱۸ق: ۳۵۹) و بیش از پیش مرتب علمی او را بر مأمون و دیگران آشکار ساخت. پس از مأمون، حکومت به دست معتصم افتاد. در سال ۲۲۰ او ایشان را به بغداد فراخواند (حنبلی دمشقی، ۱۴۰۶ق، ج ۳: ۹۷). در کتاب‌های اهل سنت برای امام جواد (ع) کرامات و معجزاتی نقل شده است؛ از جمله *الفصول المهمة* اثر ابن‌صباغ مالکی. در نهایت معتصم^۱ عباسی او را از مدینه به بغداد فراخواند و در عرض چند ماه و در بیست و پنج سالگی درگذشت یا به روایت شیعیان مسموم شد و به شهادت رسید (مسعودی، ۱۴۰۹ق، ج ۳: ۴۶۴؛ کلینی، ۱۳۸۸ق، ج ۱: ۳۲۳).

امام جواد (ع)، پیش از عزیمت به بغداد فرزندش علی را در مدینه به جانشینی خود تعیین کرد. در هنگام شهادت محمدالجواد، پسرش علی هشت ساله بود؛ ولی به دلیل اینکه مردم مراتب فضل و کرامت پدرش در خردسالی را

^۱ معتصم خلیفه‌ای خونریز بود و با مخالفانش برخورد بسیار خشنی داشت.

۲: ۲۹۱؛ ابن‌ابی‌الحدید، ۱۳۷۸ق، ج ۱: ۲۸۲؛ مزّی، ۱۴۰۶ق، ج ۵: ۵۳؛ حموی، ۱۴۰۰ق، ج ۲: ۳۲۷؛ قندوزی، ۱۴۱۶ق، ج ۳: ۲۹۶؛ ذهبی، تذکره‌الحفاظ، بی‌تا، ج ۲: ۴۶۴؛ همان، ۱۴۱۳ق، ج ۱۰: ۶۶۳؛ حتی گروهی از علمای عامه، محمد را تنها فرزند حسن العسکری دانسته‌اند و بیان داشته‌اند او همان مهدی موعود است (مسعودی، ۱۴۰۹ق، ج ۴: ۱۱۲؛ سمعانی، ۱۳۸۲ق، ج ۱: ۱۱۶؛ قندوزی، ۱۴۱۶ق، ج ۳: ۳۹۲؛ هبشی، ۱۳۸۲ق، ج ۲: ۶۰۱)؛ البته روایات وارد شده از پیامبر و یازده امام قبلی در منابع شیعی درباره مهدویت و اینکه مهدی، امام دوازدهم و فرزند حسن بن علی بن محمد است، آنقدر فراوان است که ظن تحریف روایات در قرون بعدی را از بین می‌برد (برای مطالعه بیشتر، رک: بستوی، ۱۴۲۰ق: ۲۵-۳۸؛ ایروانی، ۱۴۲۰ق: ۷-۸؛ قرشی، ۱۴۱۷ق: ۲۰-۲۹؛ عمیدی، بی‌تا: ۳۶-۱).

تا قرن سوم هجری حدود ده نفر با ادعای مهدویت، علم مخالفت با حکومت مرکزی را برافراشتند. به‌ویژه در زمان امام باقر(ع) و امام صادق(ع) که مقارن با ضعف حکومت‌های مرکزی است، بیشتر شاهد چنین وقایعی هستیم که برخی از آنها شیعه بودند (برای نمونه، رک: مسعودی، بی‌تا: ۲۹۲؛ فاروق، ۱۳۵۵ق: ۲۱۰؛ قلقشندی، بی‌تا، ج ۱: ۲۲؛ اصفهانی، ابوالفرج، بی‌تا: ۱۴۰، ۱۴۲، ۱۵۷، ۱۵۸، ۱۶۰، ۱۶۲، ۱۶۵ و ۱۶۷؛ ابن‌طقطقی، ۱۴۱۸ق: ۱۶۵-۱۶۶)؛ ولی امامان، پیوسته متذکر می‌شدند این مدعیان، مهدی نیستند و حتی تأکید می‌کردند خودشان نیز مهدی موعود نیستند و وعده آمدن مهدی را در آینده می‌دادند (اصفهانی، ابوالفرج، بی‌تا: ۱۸۶؛ کشی، ۱۴۰۹ق: ۳۲۱؛ صدوق، ۱۳۷۸ق، ج ۲: ۲۱۳؛ طوسی، ۱۴۱۱ق: ۶۸). پس از آن هم بارها انقلاب‌هایی با نام مهدویت صورت گرفته است؛ حتی یکی از خلفای عباسی با سوء استفاده از احادیث وارد شده در این باب، نام فرزند خود را محمدمهدی نهاد تا حکمرانی او را تسهیل کند (مسعودی، بی‌تا: ۲۹۲؛ برای مطالعه بیشتر رک: فقهی‌زاده و صادقی).

سیدمحمد عبدالغفار هاشمی حنفی می‌گوید: هنگامی که مناقب آن حضرت برای همه مشهور شد، متوکل او را از مدینه منوره طلب کرد؛ زیرا به دلیل علم بسیار و عمل صالح و استحکام رای امام هادی(ع)، بر پادشاهی و زوال دولتش می‌ترسید (زرکلی، ۱۹۸۰، ج ۴: ۳۲۳).

پس از علی‌الهادی، فرزندش حسن که از زمان کوچانده شدن به سامرا در کنار ایشان بود، به امامت رسید (ابن‌جوزی، ۱۴۱۲ق، ج ۱۲: ۱۵۸). درحقیقت تمامی مدت، امامت حسن بن علی در شهر نظامی سامرا و در نظارت دستگاه خلافت بوده است. او در طی مدت زندگانش چندبار به زندان افتاد (مسعودی، ۱۴۲۶ق: ۲۵۴-۲۵۵). ارتباطات او بیشتر از طریق مکاتبات و نواب بود و از همین طریق تلاش می‌کرد بین شیعیان در بلاد دور و نزدیک انسجام برقرار کند (ابن‌شهر آشوب، ۱۳۷۹ق، ج ۴: ۴۲۵). اندیشمندان سنی گاهی مراتب علم، تعبد و کمال ایشان را با عباراتی طولانی تجلیل می‌کردند (جاحظ، ۱۴۲۳ق: ۴۵۳؛ شافعی، بی‌تا: ۴۷۵-۴۷۶؛ سبط بن جوزی، ۱۴۱۸ق: ۳۶۲؛ هبشی، ۱۳۸۵ق، ج ۲: ۵۹۹-۶۰۰؛ ابن‌کثیر، بی‌تا: ۲۰۲؛ نبهانی، بی‌تا، ج ۲: ۲۱-۲۲؛ زرکلی، ۱۹۸۰، ج ۲: ۲۰۰). در برخی منابع اهل سنت نیز کرامت‌ها و امور خارق‌العاده‌ای از ایشان نقل شده است (رک: شبلینجی، ۱۳۶۸ق: ۱۶۶ و ۱۶۷؛ هبشی، ۱۳۸۵ق: ۲۰۷؛ ابن‌صباغ، بی‌تا: ۳۰۴-۳۰۵). مورخان گزارش کرده‌اند حسن عسکری(ع) در سال ۲۶۰هـ از دنیا رفت (خطیب بغدادی، ۱۴۱۷ق، ج ۷: ۳۶۶؛ ابن‌اثیر، ۱۳۸۵ق، ج ۷: ۲۷۴؛ یافعی، بی‌تا، ج ۲: ۱۷۲).

در مصادر اهل سنت، روایات فراوانی درباره مهدویت و ظهور منجی به چشم می‌خورد؛ اما درباره نسب مهدی شاخه‌های مختلفی وجود دارد؛ با این حال شاخه‌ای که مهدی را قریشی از بنی‌هاشم از فرزندان پیامبر، علی، فاطمه و حسین(ع) و نام او را همانم پیغمبر خوانده است، بسیار تنومند است (ابن‌حماد مروزی، ۱۴۱۴ق: ۲۲۸، ۲۳۱ و ۴۲۵؛ سجستانی، ۱۴۱۰ق، ج ۲: ۳۱۱؛ ابن‌ماجه، بی‌تا، ج ۲: ۱۳۶۸؛ بخاری، بی‌تا، ج ۳: ۳۴۶؛ ابن‌حبان، ۱۴۱۲ق، ج

۴- جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

۱- در این مقاله نشان داده شد که چگالش فضائل در این نسل شکوهمند چهارده‌گانه، چنان بالاست که می‌توان ادعای خرق عادت و اعجاز درباره آن را مطرح کرد. ائمه به‌صورت پیوسته و یکی پس از دیگری در طول دویست و پنجاه سال پا به دنیا گذاشتند و همگی به گواهی مراجع معتبر و متعدد تاریخی، از نظر علم، پرهیزگاری، رسیدگی به ضعفا، ایتار و از خودگذشتگی، مکارم اخلاقی، همرنگ نشدن با حکام ظالم (حتی به قیمت از دست دادن جان شیرین) و ... سرآمد مردمان عصر خویش بوده‌اند و پیوسته تحسین انبوهی از افرادی را برانگیخته‌اند که به امامت آنها باور نداشتند. درمقابل، ایشان به هیچ‌وجه اظهارات غلوآمیز درباره مقامشان را برنمی‌تابیدند و غالبان را به شدت از خود می‌رانند (کشی، ۱۴۰۹ق: ۲۶۷ و ۳۶۴؛ ابن‌ابی‌الحدید، ۱۳۷۸ق، ج ۵: ۴). این خصوصیات در تمامی ائمه دوازده‌گانه مشترک است (رک: رجبی و حاجی‌زاده، ۱۳۹۴).

۲- نگارندگان انکار نمی‌کنند که در طول تاریخ افراد صاحب فضیلت وجود داشته‌اند که فرزندان و گاهی نوه‌های آنان نیز مظهر همان فضائل بوده‌اند؛ ولی تاریخ هیچ نمونه‌ای از استمرار این فضائل در یک نسل چهارده‌گانه سراغ ندارد. این در حالی است که این خاندان پیوسته از جانب حکام هم‌عصر در فشار بوده‌اند و انگیزه و مطامع دنیوی خاصی برای ادامه راه امام قبلی از امام جدید متصور نیست.

۳- همچنین مردی درس‌ناخوانده، از همین خانواده، مشهورترین کتاب درخور تقدیر به زبان عربی را در تمام طول تاریخ به جهان عرضه کرده است. زیبایی‌های ادبی و ظرایف علمی در این کتاب چنان پرشمار است که مستشرقان منصف و ادیبان عرب‌زبان غیرمسلمان محو آن شده‌اند.

۴- در همین راستا باید به اخباری از پیامبر اکرم (ص) اشاره شود که بارها در منابع اهل سنت درباره برابری بودن تعداد ائمه پس از پیامبر با نقباء بنی‌اسرائیل (دوازده تن) مطرح شده است که علمای اهل سنت هیچگاه نتوانستند

به این ترتیب مشخص می‌شود در اصل مهدویت در بین باورمندان به اسلام تردید نیست و نمی‌تواند ساخته و پرداخته شیعیان باشد.

همچنین، گفتنی است در منابع معتبر اهل سنت و جماعت، بارها احادیثی با این مضمون مشاهده می‌شود که خلفا بعد از من به عدد «نقباء بنی‌اسرائیل» (که در قرآن دوازده تن شمرده شده‌اند: سوره مائده/۱۲) خواهد بود (ابن‌حنبل، ۱۳۳۸ق، ج ۱: ۳۹۸ و ۴۰۶؛ تمیمی، بی‌تا، ج ۹: ۲۲۲؛ طبرانی، بی‌تا، ج ۱۰: ۱۵۸؛ نیشابوری، بی‌تا، ج ۴: ۵۰۱؛ ابن‌عساکر، ۱۴۱۵ق، ج ۱۶: ۲۸۶؛ هیثمی، ۱۴۰۸ق، ج ۵: ۱۹۰؛ متقی‌هندی، ۱۴۰۹ق، ج ۶: ۸۹، ج ۱۲: ۳۳) که بزرگان اهل سنت در تفسیر آن درمانده‌اند (ابن‌کثیر، ۱۴۲۲ق، ج ۱: ۱۷۷؛ ج ۶: ۲۷۹-۲۸۰) و علاوه بر آن، در احادیث فراوانی در آن منابع، کلیت اهل بیت همانند سفینه نوح معرفی شده است که راکبان آن اهل نجات‌اند (طبرانی، بی‌تا، ج ۳: ۴۶۴-۴۶۵؛ ج ۱۲: ۲۷؛ طبرانی، ۱۴۱۵ق، ج ۴: ۱۰؛ ج ۵: ۳۵۵؛ ج ۶: ۸۵؛ نیشابوری، بی‌تا، ج ۲: ۳۴۳؛ ج ۳: ۱۵۱؛ هیثمی، ۱۴۰۸ق، ج ۹: ۱۶۸؛ متقی‌هندی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۲: ۹۴، ۹۵ و ۹۸) و آیات متعددی در فضل و مقام اهل بیت تفسیر شده‌اند (یزدی‌حائری، بی‌تا، ج ۱: ۱۷۱-۱۷۲ و ۲۲۳؛ حکیم، بی‌تا: ۶۶-۶۷؛ وحید خراسانی، بی‌تا، ج ۱: ۱۹۷-۲۰۰، مغنیه، ۱۳۹۹ق: ۴۳۱-۴۳۳؛ مرتضی‌عاملی، ۱۴۱۵ق، ج ۱: ۲۱۰-۲۱۲ و ۲۵۷-۲۵۸؛ همان، ۱۴۲۲ق، ج ۳: ۱۰۳-۱۱۰؛ حسینی میلانی، ۱۴۱۸ق، ج ۱: ۳۲۳-۳۲۴؛ منتظری، ۱۳۸۰: ۱۳۱).

شیعه اثنی‌عشری تنها مکتبی است که یازده امام پرهیزگار، عالم و فاضل مطابق با آنچه شایسته خلافت رسول اکرم است، به جامعه بشری عرضه کرده است و درنهایت، این سلسله جلیله در نفر دوازدهم متوقف شده که او مطابق روایت شیعیان همان محمدمهدی (عج) است. بدیهی است این طرح کلان تمدنی دویست‌وپنجاه ساله و بلکه چندهزارساله آنقدر عظیم است که نمی‌تواند ساخته و پرداخته بشر باشد.

توجیه مقبولی در ارتباط با آن ارائه کنند و با نسل شکوهمند مدعی این تحقیق کاملاً سازگار است. گفتنی است در مراجع شیعی بارها احادیثی از ائمه اهل بیت نقل شده است که هر یک اسامی امامان بعد از خود را ذکر می‌کنند که بعضاً صدسال بعد از خود ایشان متولد شده‌اند (صدوق، ۱۳۷۸ق، ج ۱: ۴۰-۶۹؛ همان، ۱۳۹۵ق، ج ۱: ۳۰۵)؛ ولی به دلیل اینکه مصرّ بودیم صرفاً به منابع اهل سنت ارجاع دهیم، از ذکر آنها چشم پوشیدیم.

۵- بحث مهدویت هم از جمله اماره‌هایی است که یقین ما را به ساختگی نبودن این جریان ۲۵۰ سال افزون می‌کند. از صدر اسلام، رسول اکرم به بحث ظهور مهدی از خاندانش در جهت اصلاح امت تأکید داشته‌اند و در طول سال‌های حیات امامان، قیام‌های متعددی با نام مهدویت از سوی فرق مختلف صورت پذیرفته است و حتی بعضی از خلفای جور به همین امید فرزندان‌شان را مهدی نام نهادند؛ ولی در همه این سال‌ها ائمه اهل بیت تأکید داشتند این مدعیان مهدی وعده داده شده نیستند و حتی تصریح داشتند خودشان هم مهدی نیستند، مهدی از فرزندان آنان است تا اینکه وعده ایشان محقق شد و امام دوازدهم از نظرها غایب و روندی که طی دوازده نسل پی‌درپی وجود داشت، به ناگاه متوقف شد. آیا هیچ‌یک از ما می‌توانیم درباره چند نسل بعد از خودمان چنین پیش‌بینی‌هایی داشته باشیم!

۶- شگفتی‌سازی این ذوات مقدسه صرفاً در دوران حیاتشان نبوده و بروز امور خوارق عادت در حرم‌های مطهر این ذریه پاک پس از شهادت‌شان نیز امر دیگری است که شایسته توجه است. در طول سال‌های پس از وفات ایشان تا کنون بارها مشاهده شده است بیماران صعب‌العلاج در حرم‌شان شفا گرفته‌اند و حتی بزرگان اهل سنت نیز از این سفره بی‌نصیب نبوده‌اند و به آن اذعان داشته‌اند و پس از بررسی پرونده‌های پزشکی و شهادت شاهدان عینی، گزارش‌های دقیقی درباره این موضوع نشده است؛ البته با ملاحظه حفظ اتقان مقاله از

پرداختن بیشتر به این موضوع صرف نظر شده است. این پژوهش با ارجاع به منابع معتبر اهل سنت به انجام رسیده است^۱ و جز در اندک مواردی که به اعتبار تحقیق آسیب نمی‌زند، از مراجعه به منابع شیعه خودداری کرده است. بدیهی است اگر نگارندگان از مورخان متقی و راویان موثق شیعی نیز استفاده می‌کردند، چگالش این فضائل ده چندان می‌شد؛ ضمناً باید توجه داشت اخبار مربوط به این خاندان بعضاً به حدی از شهرت و تواتر رسیده که بی‌نیاز از سند است. به‌صورت خاص، ویژگی‌های نبی‌اکرم (ص)، امیرالمومنین (ع)، فداکاری سیدالشهدا (ع)، جایگاه علمی امام باقر (ع) و امام صادق (ع) و مراتب فضل حضرت رضا (ع) در دوران ولایت‌عهدی از این دسته‌اند.

۷- شاید دلایل یادشده هر یک به‌تنهایی نتوانند برای اذهان شکاک مفید به اطمینان باشد؛ ولی هنگامی که همه آنها در یک نسل بلافصل جمع می‌شود، می‌توان حقانیت ایشان و آئینی را نتیجه گرفت که به تبلیغ آن همت گماردند. ممکن است مستشکل به امور خارق‌العاده مرتاضان هندی استناد کند؛ اما سؤال اینجاست که آیا آنها به‌صورت هم‌زمان از نظر دانش، اخلاق، ایثار و ... در بین اطرافیان‌شان سرآمدند. آیا همین فضائل و حسن شهرت در چندین نسل پی‌درپی به فرزندان‌شان به ارث رسیده است. صاحبان این سطور به اتکای استدلال‌ات پیش‌گفته مدعی‌اند که حجم شواهد درباره شایستگی این خاندان چنان بالاست (مادلونگ، ۱۷۷: ۲۸-۲۷) که می‌توان شبهات مختلف و معدود واردشده به عملکرد آنان را با برخی عوامل اخلاص‌گر شناخت (همچون احتمال دست‌کاری مستندات تاریخی، احتمال تقیّه امام و ضعف دانش کنونی ما برای تحلیل) نسبت داد؛ به‌طور مثال، ممکن است در

^۱ حتی در بین منابع اهل سنت نیز بارها به آثار کسانی همچون ابن کثیر، ابن حجر هیثمی، جاحظ و ... اشاره شده که مطالبی در ردّ عقاید شیعیان از آنان برجای مانده است.

بی‌چون‌وچرای نسخه‌های در دست از تورات و انجیل بدانند؛ ولی به هر ترتیب از این موضوع نیز نباید غافل شد که بین آموزه‌های اسلامی با آموزه‌های عهدین، باوجود فاصله چند صد و شاید چند هزار ساله، تشابهات فراوانی وجود دارد (ر.ک: صدر، ۱۳۸۱: ۷۴-۱۰۱). به این ترتیب زمینه‌ای فراهم می‌آید که از رهگذر این تشابهات بتوان نظریه نسل شکوهمند را غنی‌تر و شواهد بیشتری برای اقناع اذهان شکاک استخراج کرد.

ضمناً ائمه پیش‌بینی‌هایی درباره آخرالزمان داده‌اند که در زمان حیات آنها زمینه گسترده‌ای برای چنین پیش‌بینی‌هایی وجود نداشته است؛ پیش‌بینی‌هایی همچون تسهیل مسافرت‌های بین‌المللی به نحوی که زنی به تنهایی و به راحتی امکان سیر از شرق به غرب عالم را داشته باشد و نیز اخبار دیگری که بر کم‌رنگ شدن روابط فامیلی، تغییر نوع پوشش، الگوی تجارت و ... طرح شده، در کتاب‌های نسخ خطی چند صد سال پیش وجود دارد و هم‌اکنون نیز شاهد طبعه آنها هستیم.

مقایسه تطبیقی نتایج نظریه چگالش با نتایج نگاه تکاملی به مکتب (مدرسی طباطبایی، ۱۳۹۴)، به‌ویژه در مسائل چالش‌برانگیزی همچون ادعای حضور خدا در تاریخ، اسطوره‌سازی از تعداد امامان و مهدویت خالی از فایده نخواهد بود.

تبیین دقیق‌تر نظریه چگالش از منظر مختاربودن امامان در انتخاب مسیر صلاح (و نه مجبوربودن به طی کردن مسیری از پیش تعیین شده) با تکیه بر علم الهی بر اینکه امامت را در چه موضعی وضع کند، توصیه پایانی نگارندگان به پژوهشگران علاقمند است.

منابع

- ۱- قرآن کریم.
- ۲- ابن ابی الحدید، عبد الحمید بن هبئه الله، (۱۳۷۸ق)، شرح نهج البلاغه، تحقیق: محمد ابوالفضل ابراهیم، مصر، دار احیاء الکتب العربیه.

بین احادیث صحیح‌السند، به مضامینی برخورد شود که با علوم جدید سازگار نباشد؛ یا اینکه در ماجرای اعدام گسترده یهودیان بنی‌قریظه، مورخان مواضع مختلفی اتخاذ کرده‌اند؛ گروهی مدعی وقوع این اعدام‌اند و عمل پیامبر را توجیه می‌کنند و گروهی دیگر، در جهت بطلان این نقل تاریخی اقامه استدلال می‌کنند.^۱ چارچوب نسل شکوهمند به ما کمک می‌کند موضع صحیحی درباره این نقل‌ها اتخاذ کنیم؛ نهایت اینکه یک‌دست‌بودن این نسل را در احقاق حق اصلی و نشر عدالت کلی در عمل و اقدام و در بحث و نظر، ثابت بدانیم (حکیمی، ۱۳۸۵: ۱۶۸).

نظریه نسل شکوهمند، ما را از تحقیق بیشتر درباره شبهات باز نمی‌دارد؛ ولی بستری عقلانی و موجه برای ما فراهم می‌آورد که بتوانیم معدودی از شبهات توجیه‌ناپذیر را از اعتقادات مسلمانان دور نگه داریم و حجت جدیدی برای احتجاج در مقابل منتقدان در اختیار شخص متکلم قرار دهیم.

۵- پیشنهادهایی برای آینده

در پژوهش‌های متعددی، مشابهت آموزه‌های اسلام با یهودیت و مسیحیت اثبات شده است. بر آشنایان به متون دینی پوشیده نیست که اعضای این نسل شکوهمند، پیوسته اصرار داشتند رابطه‌شان با انبیای سلف را گوشزد کنند و خود را ادامه‌دهنده این مسیر چند هزارساله معرفی کنند؛ البته کتاب قرآن و پیامبر و امامان (ع) شدیداً منتقد تحریف‌های صورت‌پذیرفته در عهدین هستند (طبرسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱: ۲۴۹) و کسی نمی‌تواند قرآن را پیرو

^۱ سیدجعفر شهیدی می‌گوید: قدیمی‌ترین سندی که به حادثه بنی‌قریظه اشاره کرده، سیره ابن‌اسحاق است. ابن‌اسحاق (محمدبن‌اسحاق بن‌یسار) ۱۴۵ سال پس از واقعه از دنیا رفته و محمد بن جریر طبری هم که روایت ابن‌اسحاق را بی‌کم‌وکاست نقل کرده، حدود ۱۵۰ سال پس از وی آمده است. او به این ترتیب می‌خواهد احتمال وقوع اغراق و بزرگ‌نمایی در اصل واقعه، ظرف این ۱۴۰ سال را در نظر مخاطب برجسته کند (شهیدی، ۱۳۸۸).

- ٣- ابن اثير، عزالدين ابى الحسن، (١٤٠٤ق)، جامع الاصول من احاديث الرسول، تحقيق: محمد حامد الفقى، بيروت، داراحياء التراث العربى.
- ٤- _____، (١٤٠٩ق)، أسد الغابۀ فى معرفة الصحابۀ، بيروت، دارالفكر.
- ٥- _____، (١٣٨٥ق)، الكامل فى التاريخ، بيروت، دارصادر - داربيروت.
- ٦- ابن أعثم كوفى، احمد بن على، (١٤١١ق)، الفتوح، تحقيق: على شيرى، بيروت، دارالأضواء.
- ٧- ابن تيمية، ابوالعباس، (١٤٠٦ق)، منهاج السنة النبوية، تحقيق: محمد رشاد سالم.
- ٨- ابن جوزى، ابوالفرج، (١٣٥٥ق)، صفة الصفوة، دكن، دائرة المعارف العثمانية.
- ٩- _____، (١٤١٢ق)، المنتظم فى تاريخ الأمم و الملوك، تحقيق: محمد عبدالقادر عطا و مصطفى عبدالقادر عطا، بيروت، دارالكتب العلمية.
- ١٠- ابن حبان، عبدالله، (١٤١٢ق)، طبقات المحدثين باصبهان، بيروت، مؤسسة الرسالة.
- ١١- ابن حبان، محمد أبو حاتم، (١٣٩٣ق)، الثقات، حيدرآباد، مجلس دائرة المعارف العثمانية، مؤسسة الكتب الثقافية.
- ١٢- ابن حماد مروزي، نعيم، (١٤١٤ق)، كتاب الفتن، تحقيق: سهيل زكار، بيروت، دار الفكر.
- ١٣- ابن حنبل، احمد بن محمد، (١٣٦٨ق)، المسند، بيروت، دارصادر.
- ١٤- ابن خلدون، عبدالرحمن بن محمد، (١٤٠٨ق)، تاريخ ابن خلدون، تحقيق: خليل شحادة، بيروت، دارالفكر.
- ١٥- ابن خلكان، أحمد بن محمد، (بى تا)، و فى ات الأعيان و أبناء أبناء الزمان، تحقيق: احسان عباس، لبنان، دارالثقافة.
- ١٦- ابن سعد، محمد، (١٤١٤ق)، الطبقات الكبرى، تحقيق: محمد بن صامل السلمى، طائف، مكتبة الصديق.
- ١٧- _____، (١٤١٦ق)، ترجمة الإمام الحسن (ع) من طبقات ابن سعد، تحقيق: سيد عبدالعزيز طباطبايى، قم، مؤسسه آل البيت (ع).
- ١٨- ابن سمعون، محمد بن احمد، (١٤٢٣ق)، أمالى ابن سمعون، بيروت، دارالبشائر.
- ١٩- ابن سيد الناس، أبو الفتح محمد، (١٤١٤ق)، عيون الأثر فى فنون المغازى و الشئائل والسير، تعليق، ابراهيم محمد رمضان، بيروت، دارالقلم.
- ٢٠- ابن شهر آشوب، محمد بن على، (١٣٧٩ق)، مناقب آل ابى طالب (ع)، قم، علامه.
- ٢١- ابن طقطقى، محمد بن على، (١٤١٨ق)، الفخرى، تحقيق: عبدالقادر محمد مايو، بيروت، دارالقلم العربى.
- ٢٢- ابن طيفور، ابوالفضل بن أبى طاهر، (بى تا)، بلاغات النساء، قم، مكتبة بصيرتى.
- ٢٣- ابن عبدالبر، أبو عمر يوسف، (١٤١٢ق)، الإستيعاب فى معرفة الأصحاب، تحقيق: على محمد البجاوى، بيروت، دارالجيل.
- ٢٤- ابن عساكر، ابوالقاسم على بن حسن، (١٤١٥ق)، تاريخ مدينة دمشق، تحقيق: على شيرى، بيروت، دارالفكر.
- ٢٥- ابن قدامة، عبدالله بن احمد، (بى تا)، الشرح الكبير على متن المقنع، بيروت، دارالكتب العلمية.
- ٢٦- _____، (١٣٨٨ق)، المغنى، بيروت، دارالكتب العلمية.
- ٢٧- ابن كثير دمشقى، (١٤٢٢ق)، أبو الفداء إسماعيل، البداية و النهاية، بيروت، دارالمعرفة.
- ٢٨- ابن ماجه قزوينى، محمد بن يزيد، (بى تا) سنن ابن ماجه، تحقيق: محمد فواد عبدالباقي، بيروت، دارالفكر.
- ٢٩- ابن هشام، عبدالملك، (بى تا)، السيرة النبوية، تحقيق: مصطفى السقا و ابراهيم الأبيارى و عبدالحفيظ شلى، بيروت، دارالمعرفة.
- ٣٠- اربلى، على بن عيسى، (١٣٨١ق)، كشف الغمة فى معرفة الأئمة، تحقيق: سيدهاشم رسولى محلاتى، تبريز، بنى هاشمى.
- ٣١- ارنست، كارل، (١٣٩٠ش)، اقتدا به محمد، ترجمة

- قاسم کاکایی، تهران، هرمس.
- ۳۲- اصفهانی، ابوالفرج علی بن حسین، (بی‌تا)،
مقاتل الطالبیین، تحقیق: سیداحمد صقر، بیروت،
دارالمعرفة.
- ۳۳- اصفهانی، ابونعیم، (بی‌تا)، حلیه الاولیاء، بیروت،
داراحیاء التراث العربی.
- ۳۴- البانی، محمدناصر، (۱۴۰۵ق)، إرواء الغلیل، تحقیق،
زهیرالشویش، بیروت، المكتب الإسلامی.
- ۳۵- ایروانی، محمدباقر، (۱۴۲۰ق)، الإمام المهدی (ع) بین
التواتر و حساب الاحتمال، قم، مرکز الأبحاث
العقائدیة.
- ۳۶- بارا، آنتوان، (۱۳۸۱ش)، امام حسین در اندیشه
مسیحیت، ترجمه فرامرز میرزایی و علی‌باقر
طاهری‌نیا، همدان، دانشگاه بوعلی‌سینا.
- ۳۷- باکتیر، احمد بن فضل، (بی‌تا)، وسیله المال فی عد
مناب الآل، نسخه خطی.
- ۳۸- بجستانی، حسین، (بی‌تا)، سبائك الذهب، بی‌جا.
- ۳۹- بخاری، محمد بن اسماعیل، (۱۴۰۱ق)، صحیح
البخاری، بیروت، دارالفکر.
- ۴۰- بستوی، عبدالعلیم، (۱۴۲۰ق)، المهدی المنتظر (ع) فی
ضوء الأحادیث و الآثار الصحیحة، مکه، دار ابن حزم.
- ۴۱- بغدادی، محمود بن وهیب، (۱۴۲۰ق)، جوهره الکلام،
بی‌جا، بی‌نا.
- ۴۲- بلاذری، أحمد بن یحیی، (۱۳۹۷ق)، أنساب الأشراف،
تحقیق: محمدباقر محمودی، بیروت، دارالتعارف.
- ۴۳- بلاغی، صدرالدین، (بی‌تا)، ترجمه صحیفه سجادیه،
بی‌جا.
- ۴۴- بوکای، موریس، (۱۳۷۵ش)، دراسة الكتب المقدسة
فی ضوء المعارف الحدیثه، قاهره، مكتبة مدبولی.
- ۴۵- بهوتی، منصور بن یونس، (۱۴۱۸ق)، كشف القناع،
تحقیق: محمدحسن شافعی، بیروت، دارالکتب
العلمیة.
- ۴۶- بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین، (بی‌تا)، السنن
الکبری، بی‌جا، دارالفکر.
- ۴۷- _____، (۱۴۰۵ق)،
دلائل النبوة، تحقیق: عبدالمعطی قلججی، بیروت،
دارالکتب العلمیة.
- ۴۸- پورت، جان دیون، (۱۳۹۱ش)، عذر تقصیر به پیشگاه
محمد و قرآن، قم، شروق.
- ۴۹- ترمذی، عبدالسلام، (۱۳۸۵ش)، احداث
التاریخ الاسلامی، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ
اسلامی.
- ۵۰- تقی‌لو، فرامرز، پیکانی، جلال، (۱۳۹۳ش)،
«پدیدار تجربی، بر ساخت ذهنی و واقعیت
هستی‌شناختی؛ تحلیلی بر مسائل تبیین علمی و
مواضع رئالیسم انتقادی»، پژوهش‌های فلسفی، سال
هشتم، شماره پانزدهم، صص ۱۸۳-۲۰۲.
- ۵۱- تمیمی، أحمد بن علی، مسند أبی یعلی، (بی‌تا)،
تحقیق: حسین سلیم أسد، بی‌جا، دارالمأمون.
- ۵۲- ثقفی، ابراهیم بن هلال، (۱۴۱۰ق)، الغارات، تحقیق:
عبدالزهره حسینی، قم، دارالکتب الإسلامی.
- ۵۳- جاحظ، عمرو بن بحر، (۱۴۲۳ق)، الرسائل السیاسیة،
بیروت، دارومکتبه هلال.
- ۵۴- حسینی خامنه‌ای، سیدعلی، (۱۳۹۱ش)، انسان ۲۵۰
ساله، تهران، صهبا.
- ۵۵- حسینی شاه‌ترابی، سیدمرتضی، (۱۳۸۹ش)، امام
صادق (ع) از نظر اهل سنت، فرهنگ کوثر، شماره ۸۲.
- ۵۶- حسینی میلانی، علی، (۱۴۱۸ق)، شرح منهاج الکرامه
فی معرفه الإمامه، قم، دارالهجره.
- ۵۷- حکیم، محمدتقی، (بی‌تا)، السنه فی الشریعه
الإسلامیة، بی‌جا.
- ۵۸- حکیمی، محمدرضا، (۱۳۸۵ش)، امام در عینیت
جامعه، قم، دلیل ما.
- ۵۹- حموی، یاقوت، (۱۹۹۵م)، معجم البلدان، بیروت،
دارصادر.
- ۶۰- حموی، ابراهیم بن محمد، (۱۴۰۰ق)، فرائد السمطین،

- تحقیق: محمداقبر محمودی، مؤسسه محمودی.
- ۶۱- حنبلی دمشقی، ابن عماد، (۱۴۰۶ق)، شذرات الذهب فی اخبار من ذهب، تحقیق: الأرناؤوط، دمشق - بیروت، دار ابن کثیر.
- ۶۲- خطیب بغدادی، احمد بن علی، (۱۴۱۷ق)، تاریخ بغداد، بیروت، دارالکتب العلمیه.
- ۶۳- دمیری، کمال الدین، (۱۴۲۴ق)، حیاة الحیوان الکبری، بیروت، دارالکتب العلمیه.
- ۶۴- دهلوی، عبدالعزیز، (۱۳۷۳ق)، مختصر التحفة الاثنی عشریه، قاهره، الطبعة السلفیه.
- ۶۵- دینوری، ابن قتیبه، (۱۴۱۰ق)، الإمامة و السیاسة، تحقیق: علی شیری، بیروت، دارالأضواء.
- ۶۶- _____، (۱۹۹۲م)، المعارف، تحقیق: ثروت عکاشه، القاهره، الهیئة المصریة، العامة للکتاب.
- ۶۷- دینوری، ابوحنیفه احمد بن داود، (۱۳۶۸ش)، الأخبار الطوال، تحقیق: عبدالمنعم عامر، قم، منشورات الرضی.
- ۶۸- ذهبی، محمد بن احمد، (۱۴۱۰)، تاریخ الإسلام، تحقیق: عبدالسلام تدمری، بیروت، دارالکتب العربی.
- ۶۹- _____، (بی تا)، تذکره الحفاظ، بیروت، داراحیاء التراث العربی.
- ۷۰- _____، (۱۴۱۳ق)، سیراعلام النبلاء، تحقیق: شعیب الأرناؤوط، بیروت، مؤسسه الرساله.
- ۷۱- _____، (بی تا)، العبر من خبر من غیر، تحقیق: سعید زغلول بسیونی، بیروت، دارالکتب العلمیه.
- ۷۲- رازی، أبو محمد عبدالرحمن، (۱۳۷۱ق)، الجرح و التعدیل، مطبعة مجلس دائرة المعارف العثمانیه بحیدرآباد الدکن الهند، بیروت، داراحیاء التراث العربی.
- ۷۳- رجبی، محمد و حاجی زاده، یدالله، (۱۳۹۴ش)، غالبان و شیوه های برخورد امامان معصوم (ع) با ایشان، قم، معارف.
- ۷۴- رضایی اصفهانی، محمدعلی، (۱۳۸۰ش)، پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، رشت، کتاب مبین.
- ۷۵- رضی، محمد بن حسین، (۱۴۰۷ق)، نهج البلاغه، تحقیق: صبحی صالح، قم، مؤسسه دارالهجرة.
- ۷۶- زرقانی، (بی تا)، شرح لزرقانی علی موطأ الامام المالک، بیروت، دارالجیل.
- ۷۷- زرکلی، خیرالدین، (۱۹۸۰م)، الأعلام، بیروت، دارالعلم.
- ۷۸- سبط بن جوزی، ابوالمظفر یوسف بن قزوغلی، (۱۴۱۸ق)، تذکره الخواص، قم، منشورات الشریف الرضی.
- ۷۹- سجستانی، أبوداود سلیمان بن أشعث، (۱۴۱۰ق)، سنن أبی داود، تحقیق: سعید محمد اللحام، بیروت، دارالفکر.
- ۸۰- سرپرسی سایکس، (۱۳۶۸ش)، تاریخ ایران، سید محمدتقی فخر داعی گیلانی، تهران، چاپخانه علمی.
- ۸۱- سمعانی، عبدالکریم، (۱۳۸۲ق)، الأنساب، تحقیق: عبدالرحمن معلمی یمانی، حیدرآباد، مجلس دائرة المعارف العثمانیه.
- ۸۲- سمهودی، نورالدین علی، (۱۴۱۵ق)، جواهر العقدين، بیروت، دارالکتب.
- ۸۳- سهیلی، حمیدرضا، (۱۳۹۴ش)، بوی بهشت، مجموعه داستان هایی از شفا یافتگان حرم امام رضا (ع)، آستان قدس رضوی، مشهد، به نشر.
- ۸۴- سیف الدین، امیرعلی، رهبر، امیرحسین، (۱۳۹۲ش)، «تسهیل گری اسلام در جهت تحقق اقتصاد دانش بنیان؛ نگرشی جدید به بستر نهادی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت»، نامه سیاست علم و فناوری، شماره ۴، صص ۶۷-۸۲.
- ۸۵- سیوطی، جلال الدین، (۱۴۰۱ق)، الجامع الصغیر، بیروت، دارالفکر.
- ۸۶- شافعی، محمد بن ادريس، (۱۴۱۲ق)، معرفة السنن و الآثار، بیروت، دارالکتب العلمیه.

- ۸۷- شافعی، محمد بن طلحه، (بی تا)، مطالب السؤول فی مناقب آل الرسول (ع)، تحقیق: ماجد بن أحمد عطیة، بی جا.
- ۸۸- شبرای، عبدالله بن محمد، (۱۳۸۸ق)، الاتحاف بحب الأشراف، بیروت، دارالمنهاج.
- ۸۹- شبلنجی، مؤمن، (۱۳۶۸ق)، نورالابصار فی مناقب آل النبی المختار، قاهره، دارالفکر.
- ۹۰- شریف القرشی، باقر، (۱۴۱۷ق)، حیاة الإمام المهدی (عج)، مطبعة الأمير.
- ۹۱- شوکانی، محمد بن علی، (۱۹۷۳م)، نیل الاوطار، بیروت، دارالجيل.
- ۹۲- شوکی، خلیل، (۱۴۳۲ق)، النجوم الزاهرة، قم، جامعه المصطفی العالمیة.
- ۹۳- شهیدی، سیدجعفر، (۱۳۸۸ش)، تاریخ تحلیلی اسلام تا پایان امویان، تهران، مرکز نشر دانشگاهی.
- ۹۴- صالحی شامی، محمد بن یوسف، (۱۴۱۴ق)، سبل الهدی و الرشاد فی سیرة خیر العباد، تحقیق: عادل احمد عبدال موجود و علی محمد معوض، بیروت، دارالکتب العلمیة.
- ۹۵- صبان، محمد، (۱۳۰۳ق)، اسعاف الراغبین، مصر، مطبعة العامرة المشرفة.
- ۹۶- صدر، سیدموسی، (۱۳۸۱ش) «قرآن و عهدین؛ نقاط همسو و ناهمسو»، پژوهش‌های قرآنی، شماره ۳۲، صص ۷۴-۱۰۱.
- ۹۷- صدوق، محمد بن علی، (۱۳۶۲ش)، الأمالی، قم، کتابخانه اسلامیة.
- ۹۸- _____، (۱۳۷۸ق)، عیون أخبار الرضا(ع)، تحقیق: مهدی لاجوردی، تهران، جهان.
- ۹۹- _____، (۱۳۹۵ق)، کمال‌الدین و تمام النعمة. تحقیق: علی اکبر غفاری، تهران، اسلامیة.
- ۱۰۰- صفار، محمد بن حسن، (۱۴۰۴ق)، بصائر الدرجات، تحقیق: محسن بن عباسعلی کوجه باغی، قم، مکتبه آیه‌الله المرعشی النجفی.
- ۱۰۱- صفدی، صلاح‌الدین خلیل، (۱۴۲۰ق)، الوافی بالوفیات، تحقیق: أحمد الأرنؤوط؛ مصطفی ترکی، بیروت، داراحیاء التراث.
- ۱۰۲- طبرانی، أبو القاسم سلیمان بن أحمد، (۱۴۱۵ق)، المعجم الأوسط، تحقیق: قسم التحقیق بدارالحرمین، أبو معاذ طارق بن عوض الله، دارالحرمین.
- ۱۰۳- طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، (۱۳۸۷ق)، تاریخ الطبری، تحقیق: محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت، دارالتراث.
- ۱۰۴- طبری آملی، محمد بن جریر بن رستم، (۱۴۱۳ق)، دلائل الإمامة، تحقیق و چاپ، قم، قسم الدراسات الإسلامیة لمؤسسة البعثة.
- ۱۰۵- طبرسی، احمد بن علی، (۱۴۰۳ق)، الإحتجاج، تحقیق: محمدباقر خراسان، مشهد، مرتضی.
- ۱۰۶- طوسی، محمد بن حسن، (۱۴۱۱ق)، الغیبة، تحقیق: عبدالله تهرانی و علی احمد ناصح، قم، دارالمعارف الإسلامیة.
- ۱۰۷- عبدالغنی، عارف احمد، (۱۴۱۸ق)، الجوهر الشفاف، دمشق، دارکنان.
- ۱۰۸- عسقلانی. أحمد بن علی بن حجر، (۱۴۱۵ق)، تقریب التهذیب، تحقیق: مصطفی عبدالقادر عطا، بیروت، دارالکتب العلمیة.
- ۱۰۹- _____، (۱۴۰۴ق)، تهذیب‌التهذیب، بیروت، دارالفکر.
- ۱۱۰- _____، (بی تا)، فتح الباری، بیروت، دارالمعرفة.
- ۱۱۱- عقیلی، سیداحمد و ثریا رنگی، (۱۳۹۵)، «قیام عاشورا از دیدگاه منابع تاریخی اهل سنت (با تکیه بر آثار بخاری، طبری و ذهبی)»، پژوهشنامه معارف حسینی، دوره ۱، شماره ۴، صص ۱۰۷-۱۲۶.
- ۱۱۲- علی، امیر، (۱۹۹۰م)، مختصر تاریخ العرب، بیروت، دارالعلم.
- ۱۱۳- عمیدی، سیدنامر، تطبیق المعاییر العلمیة علی ما اختلف و

- تعارض من احادیث المهدي بكتب الفريقين، بی جا، بی تا.
- ۱۱۴- فاروق، عمر، بحوث فی التاريخ العباسی، (۱۳۵۵ق)، بیروت، دارالقلم.
- ۱۱۵- ابن صباغ، علی بن محمد، (بی تا)، الفصول المهمة، بی جا.
- ۱۱۶- فقهی زاده، عبدالهادی، صادقی، سیدجعفر، (۱۳۹۳)، «نقش عباسیان در جعل و تحریف روایات مهدوی»، مشرق موعود، سال هشتم، شماره ۲۹، صص ۱۶۴-۱۳۵.
- ۱۱۷- فیلی، هاری سانت، (۲۰۰۱م)، بنات سباء، ریاض، مکتبة العبیکان.
- ۱۱۸- قرطبی، محمد بن احمد، (۱۳۶۶ش)، الجامع لأحكام القرآن، تهران، ناصرخسرو.
- ۱۱۹- قشیری نيسابوری، مسلم بن حجاج، (بی تا)، صحیح المسلم، بیروت، دارالفکر.
- ۱۲۰- قلقشندی، احمد بن علی، (بی تا)، مآثر الإنافه فی معالم الخلافة، تحقیق: عالم الكتب.
- ۱۲۱- قندوزی حنفی، سلیمان بن ابراهیم، (۱۴۱۶)، ینایع المودة لذوی القربی، تحقیق: سیدعلی جمال اشرف حسینی، بی جا، دارالأسوة.
- ۱۲۲- کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۳۸۸ق)، الکافی، تحقیق: علی اکبر غفاری، تهران، دارالکتب الإسلامیه.
- ۱۲۳- کشی، محمد بن عمر، (۱۴۰۹ق)، رجال الکشی، تحقیق: شیخ طوسی، حسن مصطفوی، مشهد، مؤسسه نشر دانشگاه مشهد.
- ۱۲۴- گفت و گویی با پروفیسور تسویتان توفانوف، (۱۳۵۲ش)، ترجمان وحی، قم، سال هفتم، شماره اول.
- ۱۲۵- گیورگیو، کونستان ویرژیل، (۱۳۵۲ش)، محمد بیغمبری که از نو باید شناخت، مترجم: ذبیح الله منصور، تهران، امیرکبیر.
- ۱۲۶- لوبون، گوستاو، (بی تا)، تاریخ تمدن اسلام و عرب، ترجمه محمدتقی فخر داعی گیلانی، تهران، اسلامیه.
- ۱۲۷- مادلونگ، ویلفرد، (۱۳۷۷ش)، جانشینی حضرت محمد(ص)، پژوهشی پیرامون خلافت نخستین، ترجمه احمد نمایی و دیگران، مشهد، بنیاد پژوهش های اسلامی.
- ۱۲۸- متقی هندی، علاء الدین علی، (۱۴۰۹ق)، کنز العمال فی سنن الأقوال و الأفعال، تحقیق: بکری حیانی، بیروت، مؤسسه الرساله.
- ۱۲۹- مجلسی، محمدباقر، (۱۴۰۳ق)، بحار الأنوار الجامعه لعلوم الأئمة الأطهار، بیروت، داراحیاء التراث العربی.
- ۱۳۰- مدرسی طباطبایی، حسین، (۱۳۹۴ش)، مکتب در فرآیند تکامل، ترجمه هاشم ایزدپناه، تهران، کویر.
- ۱۳۱- مرتضی عاملی، جعفر، (۱۴۲۲ق)، زواج المتعه، بیروت، دارالسیره.
- ۱۳۲- _____ (۱۴۱۵ق)، الصحیح من سیره النبی الأعظم(ص)، بیروت، دارالهادی.
- ۱۳۳- مزی، جمال الدین أبو الحجاج، (۱۴۰۶ق)، تهذیب الکمال فی أسماء الرجال، تحقیق: بشار عواد معروف، بیروت، مؤسسه الرساله.
- ۱۳۴- مسعودی، علی بن حسین، (بی تا)، التنبیه والإشراف، تصحیح، عبدالله اسماعیل صاوی، القاهره، دارالصاوی.
- ۱۳۵- مسعودی، علی بن حسین، (۱۴۰۹ق)، مروج الذهب و معادن الجواهر. تحقیق: اسعد داغر، قم، دارالهجره.
- ۱۳۶- مسعودی، علی بن حسین، (۱۴۲۶ق)، اثبات الوصیه، قم، انصاریان.
- ۱۳۷- مطهری، مرتضی، (۱۳۸۶ش)، ده گفتار، قم، صدرا.
- ۱۳۸- _____ (بی تا)، مجموعه آثار، قم، صدرا.
- ۱۳۹- مظفر، محمدرضا، (بی تا)، المنطق، النجف، مطبعه النعمان.
- ۱۴۰- مغنیه، محمدجواد، (۱۳۹۹ق)، الشیعه فی المیزان، بیروت، دارالتعارف.
- ۱۴۱- مفید، محمد بن محمد بن نعمان، (۱۴۱۳ق)، الإختصاص [منسوب به شیخ مفید]، تحقیق: علی اکبر غفاری؛ محمود محرمی زرنندی، قم، کنگره جهانی شیخ مفید.

- ۱۴۲- مقدسی، مطهر بن طاهر، (بی تا)، البدء و التاريخ، بورسعيد، مكتبة الثقافة الدينية.
- ۱۴۳- مقریزی، احمد بن علی، (۱۴۲۰ق)، إمتاع الأسماع، تحقیق: محمد عبدالحمید النمسی، بیروت، دارالکتب العلمیة.
- ۱۴۴- منتظری، حسینعلی، (۱۳۸۰ش)، نظام الحکم فی الاسلام، بی‌جا.
- ۱۴۵- منقری، نصر بن مزاحم، (۱۴۰۴ق)، وقعة صفین، تحقیق: عبدالسلام محمدهارون، قم، مكتبة آية الله مرعشي نجفی.
- ۱۴۶- موسایی، میثم، (۱۳۷۴ش)، «اسلام و فرهنگ توسعه اقتصادی»، مجله تحقیقات اقتصادی، شماره ۴۹، صص ۴۲-۱.
- ۱۴۷- موسوی لاری، مجتبی، (۱۳۷۷ش)، نگرشی کوتاه بر عملکرد ۲۲ ساله مرکز نشر معارف اسلامی در جهان، قم، مرکز نشر معارف اسلامی در جهان.
- ۱۴۸- مونتگومری، داگلاس، (۱۳۹۳ش)، طراحی و تحلیل آزمایش‌ها، ترجمه حسین رسول نورالسنا، تهران، دانشگاه علم و صنعت.
- ۱۴۹- نبهانی، یوسف بن اسماعیل، (بی تا)، جامع کرامات الاولیاء، بیروت، دارالفکر.
- ۱۵۰- نسائی، أبو عبدالرحمن أحمد بن شعیب، (۱۴۱۱ق)، السنن الكبرى، تحقیق: عبدالغفار سلیمان بنداری، سیدکسروی حسن، بیروت، دارالکتب العلمیة.
- ۱۵۱- نووی دمشقی، یحیی، (۱۳۸۰ق)، تهذیب الاسماء و اللغات، بیروت، دارالفکر.
- ۱۵۲- نیشابوری، حاکم، (بی تا)، المستدرک علی الصحیحین، تحقیق: یوسف عبدالرحمن مرعشلی، بی‌جا.
- ۱۵۳- واقدی، محمد بن عمر، (۱۴۰۹ق)، المغازی، تحقیق: مارسدن جونز، بیروت، مؤسسه الأعلمی.
- ۱۵۴- وحید خراسانی، حسین، (بی تا)، منهاج الصالحین، بی‌جا، بی‌نا.
- ۱۵۵- همپل، کارل، (۱۳۶۹ش)، فلسفه علوم طبیعی، ترجمه حسین معصومی همدانی، تهران، نشر دانشگاهی.
- ۱۵۶- هیثمی، ابن حجر، (۱۳۸۵ق)، الصواعق المحرقة، قاهره، مكتبة القاهرة.
- ۱۵۷- هیثمی، ابن حجر، (بی تا)، حواشی الشروانی، بیروت، دارصادر.
- ۱۵۸- هیثمی، نورالدین علی، (۱۴۰۸ق)، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، بیروت، دارالکتب العلمیة.
- ۱۵۹- یافعی، عبدالله بن اسعد، (بی تا)، مرآة الجنان و عبرة الیقظان، تحقیق: خلیل عمران منصور، بیروت، دارالکتب العلمیة.
- ۱۶۰- یزدی حائری، علی، (بی تا)، إلزام الناصب فی إثبات الحجة الغائب، تحقیق: علی عاشور، بی‌جا.
- ۱۶۱- یعقوبی، احمد بن واضح، (بی تا)، تاریخ الیعقوبی، بیروت، دارصادر.

162- Bhaskar, R. (2008). A Realist Theory of Science. New York, Routledge.

